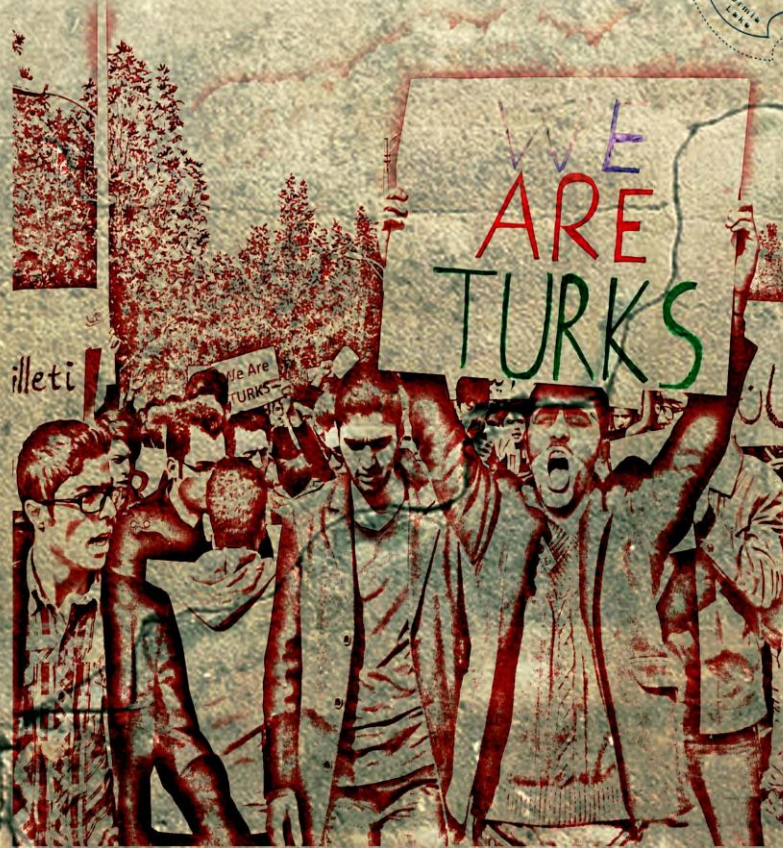


اورمو بېليم يوردو - دنيز درگيسي
يئددىنجى ايل، اون دوردونجو سايبى
۱۳۹۵ - جى گونش ايلي، چايان (قيروو) آبي



STOP RACISM



باشلیق لار

۵	۱اؤن سؤز
۵	۲آزادی در تابوت جای نمی گیرد
۵	۴قضیه فقط فرجه نبود
۵	۵اتاق «۳۱۹» در پادگان «جازلو»
۵	۶روند اقتصاد آذربایجان
۵	۷جرم یا جرم انگاری
۵	۸مرتفع ترین برج جهان در آذربایجان با نام آذربایجان / آشنایی با ضرب المثلهای آذربایجانی
۵	۹محمدامین رسولزاده
۵	۱۰داغدان باغدان
۵	۱۱کیتاب تائیتما
۵	۱۲مرضیه احمدی اسکوئی
۵	۱۴شعر لر
۵	Azərbaycan Türkcəsinin Dilbilgisi, 3. Bölüm
	 ۱۷

اۇن سۆز

سوچولوغا قارشى «۱۸ چاپان(آبان)» آياقلانماسىندان بىر ايل اوتدو. توپلوم بىلىمىنە گۆره ياسالار، قورال لارا و بوپوق لارا توپلوجا قارشى گلمە يە و باش قالدېرمايا آياقلانما دئىلمكدهدير. آياقلانملاز بوتونوبله داها دىيشىك نندن لره داينسالار دا، ايرانداكى آياقلانملاز داها چوخ، يۇنه دىمىن ايرىجاليق ياپماسىندان دوغماقدادير. توركلرين سون نئجه ايلده گئچكلەش آياقلانملازينا باخارساق، اونون اۆلكهدهكى آيرى سئچكىلىكدن دوغدوغونو آنلاياجاغىق.

آذربايجانين، ايران تلويزيونونون كانال ۲- سىنده يايىنلانان «فيتيله» آدلى اوشاق

بىر توپلومون، باسدېرىجى و بوتونجول بىر دوزنه قارشى باش قالدېرايىلمەسى اوچون، اۇيرنجى توپلولوغونون ائتكىسى اولدوقچا اۆنملى و ائتكىلەيىجى دېر. اۆتن ايل، توركلرين فارس سوچولوغونا قارشى دوزنلەدى يورويوشون اورمو بىلىم يوردونان باشلايتىب، آذربايجانين اوبيرى بۆلگه لرينە سىچراماسى، بىلىم يوردوموزون آذربايجان اۇيرنجى توپلومونداكى اۆنملى يئرنى وورغولماقدادير. اوگون، يوزلرجه اورمو بىلىم يوردو اۇيرنجىسى، ايللردير توركلره قارشى اويغولانان باسقىچى سياستين هاجانسا ديزه چۆكەجە يىنى هايقيراق گلەجە يە يازدېردىلار. توركلويون تك يومروق اولوب، فارس بوتونجولويونون ياراماز گۆوده سىنە

اؤنديرىلىشى، بو پوزوق دوزنين يىخىلاجاغىنى كسىن اولاراق ساغلامىشدير.

اؤگون، يوزلرجه اورمو بىلىم يوردو اۇيرنجىسى، ايللردير توركلره قارشى اويغولانان باسقىچى سياستين هاجانسا ديزه چۆكەجە يىنى هايقيراق گلەجە يە يازدېردىلار. توركلويون تك يومروق اولوب، فارس بوتونجولويونون ياراماز گۆوده سىنە اؤنديرىلىشى، بو پوزوق دوزنين يىخىلاجاغىنى كسىن اولاراق ساغلامىشدير.

بىلىم يوردون ان آدليم درگىسى اولاراق تانينان «دنىز» درگىسى، «درگى لره باخان قورولو» طرفيندن يابانچى لارين چيخار و يارارلارنى قوروماق، آتاتورك و سيدجعفر پيشه ورىنى تېلخ ائتمك، لاتين اليقاسىنى قوللانماق و... ايله سوچلاناراق، ۶ آى بوپونجا يايىمى دوردورولدو. بو سورده، تورك اۇيرنجى يازارلارين «بول» درگىسىنده بىر يئره توپلانماسى، سۆزگئندن درگىمىز يىن اوزه رينه اولان باسقى لارين آرتدېرىلماسىندا نندن اولموشدو. بوتونلا بئله، اۇيرنجى لره او اۆنملى و آغير گون لرين اوسته سىندن گلەرك، دوشونجه لرينىن سوسدورولماسىنى قويمايىشديرلار.

دنىز درگىسى نين بو ساىسى، آذربايجان تورك مېللتى نين فارس سوچولوغونا قارشى بارىشجىل ۱۸ چاپان آياقلانماسى نين بىرىنچى ايل دؤنومونه سونولور. اوگون لرى اونوتماديق، اونوتدورماياجاغىق.

درين سئوگى و ساىغى يلا ياسر رنجبرى درگى نين سوروملو يۇنه دىجىسى

وئرىلىشىنده توركلرين آشاغىلانماسى اوزه رينه، اياغا فالخماسى، يالنىزجا بىر تلويزيون وئرىلىشىنه تېكى دئيبىل، ايل لردن برى يىغىلان سورون لارين هارايلا ديله گئيرىلمە سى ايدى. بو يورويوش لرين بىر يايىنا قارشى تېكى سويەسىنە يئندېرىلمەسى، اوزئنده قالىش و تام بىر سطحى چۆزوملە مەدير.

بو اۆلكه نين توركلره قارشى آشاغىلايىجى يايىن لارا يئر وئرمەين قورومو بوخدور دئيرىك، يانلىمامىشيق. آرتيق، اۆلكه يۇنه دىمىنە باغلى قوروم لارين دؤنه لره توركلرى آشاغىلاماسى نين سىرادان و ايسئتمە يەرك گئچكلەش بىر اولاي اولمايدىنى آيدىن دېر. ياشادىغىمىز اۆلكه يۇنه دىمى نين ايل لردير توركلرين مېللى كىملىكلى يىله ايليشكىن ايسئتكلىرينه دوبارسىز قالدىغى، بو ايسئتكلىرى ديله گئيرن لرين ايسه سىياسى سوچولو اولاراق توتوقلادىغى، آياقلانملاز نين ندىن نين درينلىك لردە آراناجاغىنى گركدېرىمكدهدير. بو آياقلانملاز داها چوخ بىر آشاغىلانمانين سونوجوندا گئچكلشير. يئنى اولمايان، ائله جە دوزنلى بىر بىچىمدە اويغولانان آشاغىلاما سياستى، ايراندا ياشايان توركلرين مېللى كىملىك و منلى يىنندن اوزاقلاشدېرىلىب فارسلاشدېرىلماسىنى آماجلاماقدادير. اريدېلمەسى گرەكن بىر مېللتين، ايلك اۇنجه اۆز لويوندىن دؤنمەسى، مېللى وارلىق و كىملىمىنە يۇنه لىك آلدېرماز ياناشماسى گركلدىر.

ايرانين ياخلاشيق يوزده قىرخىنى(۴۰٪) توركلر اولوشدوروركن، اونلارين آنا دىلىنده اۇيره دىمىن ياساقلانماسى، «تورك دىلىنده مدرسه» ايسئته يى نين اۆلكهدهكى توركلرين ۱۳۸۵، اورموگولو، فيتيله، طرحنو و... كىمى هر بىر آياقلانماسىندا هايقىرتى يلا ايسئته نىلمە سىنە ندىن اولموشدور. بو يىخىجى و ايلك اولمايان آياقلانملاز، توركلرين سون يوزايلىكده اوست- اوسته قالانان ايسئتكلىرى نين آنلاديلانماسى نين، ائله جە، ايرقچى(سوچو) و باسقىچى سياستلرين سوردويو سورده جە سوسماياجاغى نين گؤسترگەسى دېر. اۆلكه يۇنه دىمى، توركلرين بونا تاي ايسئتكلىرينه آنلايشلا ياناشمازسا، داها بۆيوك اولاي لارين ياشانايىلە جە يى اولاناقلى و ممكئ قىلىنجاقدير.



آزادی در تابوت جای نمی گیرد

یاور سلطانی



یک سال از آن روز تاریخی می گذرد.

هزاران دانشجویی که کلاس و درس را تعطیل کردند تا تاریخ بنویسند. بنویسند که سکوت در برابر ظلم خود بنیان ظلمیست که انسان را به عادت به زیر ستم بودن و به فراموشی سپردن رؤیای آزادی سوق می دهد. بنویسند که ما سکوت نکردیم و نخواهیم کرد. برشت را دوباره بنویسند که وقتی تفنگ‌هایتان سرمان را نشانه رفته است مصمم شدیم که از مرگ نهراسیم. شاید خیلی‌هایشان نه برشت می شناختند و نه خرمگس خوانده بودند که با نوشته‌های لیلیان وینچ به سان ایتالیایی‌های دو قرن پیش شب‌ها با مشت‌های گره کرده بخوابند و رؤیای آزادی ببینند. ولی توهین طراحی شده‌ی برنامه فیتیله به عنوان ماه‌عسل و ویرین توهین‌ها و تحقیرها و ظلم‌های روا شده طی سال‌های اخیر به قدری واضح بود که هر کسی ذره‌ای میل به آزادی داشت و از باطل بیزار بود را به واکنش وامی داشت تا مشت‌هایش را گره بزند و با فریادهای بغض‌آلود قدیمی در راه آزادی ملت خود برداشته باشد و عطش سیری‌ناپذیر میل به آزادی را بیش از پیش در وجود خود دریابد.

همه چیز از ظهر جمعه ۱۵ آبان آغاز شد. جایی که در ادامه‌ی سیاست‌های یکسان‌سازی فرهنگی صدا و سیما (بخوانید ویران‌سازی فرهنگی) شبکه‌ی دو سیما در قالب برنامه‌ی فیتیله اقدام به اجرای ماه‌انه‌ی سناریوی از پیش طراحی شده‌ی ذهن مسموم روشنفکران مرکزگرا می کند. اگر تا دیروز در قالب عمویورنگ با سرودن شعرهایی در مضمون فخرفروشی نژادی و گفتن جمله‌هایی نظیر «همه زبونا از آذری و گیلکی کردی و لری و ... خون ولی فارسی یک شیرینی و حلاوت خاصی داره که هیچ زبونی نداره»، سعی در ترور عاطفی بچه‌های غیرفارس و سوق دادن ناخودآگاه کودکان از سنین پایین به زبان و فرهنگ فارسی داشتند امروز طی برنامه‌ی فیتیله سیاست‌های نژادپرستانه‌شان از لای قبا‌ی انسان گونه‌ی‌شان علنی تر می شود.

محتوای برنامه یک هتل با میهمانان ترک را نشان می دهد. تمامی هتل را بوی بدی فراگرفته است. صاحبان فارس هتل، میهمانان ترک را عامل بوی بد هتل می دانند و هر چقدر هم که خوشبوکننده می زنند تاثیری ندارد. چون می خواهند القا کنند که این بوی بد از ذات میهمانان ترک است. در نهایت مشخص می شود که میهمانان ترک بجای مسواک از فرجه توالت استفاده کرده‌اند و این همان بوی بد هتل یا به عبارت دیگر عامل بدبختی‌های موجود جامعه است.

یک حرف مدام در فضای مجازی دهان به دهان می چرخد: «توهین فیتیله ای‌ها به ترک‌ها». علاوه بر حذف قسمت مذکور فیتیله از بخش آرشیو برنامه‌های اینترنتی بخش شبکه‌های سیما، کلیپ کوتاه ۵ دقیقه‌ای از توهین فیتیله‌ای‌ها در فضای مجازی منتشر می شود. واکنش‌های مردم درخور توجه است. بخش چنین برنامه موهنی از شبکه‌ای سراسری چنان بازتابی در صفحات اجتماعی می یابد که تا باعداد شنبه کمتر کسی را می توان یافت که از محتوای این اتفاق زشت خبردار نشده باشد.

صبح شنبه ۱۶ آبان دانشکده و کلاس و سلف هر جا که قدم می گذاری موضوع توهین فیتیله داغ است. بازخوانی ماجرا و یادآوری مکررات توهین و تبعیض نژادی و نیز لزوم اعتراض و عدم سکوت در برابر دهن کجی صداوسیما نکات مشترک صحبت‌های دانشجویان است که تصمیم گرفته‌اند تماشاگر بی‌عدالتی و ظلم صورت گرفته نباشند تا مبدا روزی از خواب برخیزند و از حماقت نادیده گرفتن و بی طرفیشان شرمسار شوند. ادامه اعتراضات مردمی، آقایان به اصطلاح نماینده را وادار به واکنش می کند

در این بین بیانه‌هایی از طرف مسئولین منتشر می شود که مثال بارز نمک روی زخم پاشیدن را تداعی می کند. عده ای که با اتفاق افتاده را سپوی می دانند یا بصورت صرف به موضوع فیتیله می پردازند و هیچ اشاره ای به سابقه‌ی تاریخی اتفاقات مشابه در رسانه‌های دولتی نمی کنند. مردمی که به خوبی می دانند آن دلقک روی صحنه و عوامل برنامه‌سازش قطعه‌ی کوچک پازل طراحی شده‌ی مفکوره‌ی نژادگرایانه‌ی‌شان، از کتاب‌های درس و مدرسه گرفته تا رسانه‌های نوشتاری گفتاری و ... می باشند؛ نیت و قصد اصلی کسانی که طبل توخالی پایین آوردن فیتیله‌ی صدا و سیما را فریاد می زنند و بیانه صادر می کنند را بهتر متوجه می شوند.

خشم مردم به اوج خود رسیده است. صبح یکشنبه زمره‌هایی مبنی بر تجمع اعتراضی دانشجویان شنیده می شود. اسم سلف مرکزی به عنوان محل تجمع کم و بیش به گوش می رسد ولی با توجه به عدم اطلاع‌رسانی و هماهنگی با همه‌ی دانشجویان برگزاری این تجمع کمی بعید به نظر می رسد. ساعت از ۱۱:۳۰ گذشته و سلف شروع بکار کرده است. صحبت‌های چند نفره کمی غیرعادی تر از روزهای معمول جلوه می کند. کسانی که پله‌های رستوران را پایین می آیند اکثریشان کاغذهایی که در دست گرفته‌اند را می خوانند. درست در جلوی درب ورودی سلف دختران و پسران چند دانشجو مشغول بخش تراکت‌های یک صفحه‌ای هستند. برق شوق در چشمان کسانی که بر گره را تحویل می گیرند هودبداست. خیلی‌هایشان برمی گردند و چندتایی اضافه می گیرند تا دوستانشان را هم باخبر کنند. خیلی‌هایشان بعد از خواندن متن نوشته درخواست تراکت می کنند و می ایستند و در بخش اعلامیه‌ها کمک می کنند. اوضاع جلوی سلف مرکزی بطور کاملا خاصی غیر عادی شده است. در اعلامیه‌ها ضمن محکومیت برنامه‌ی فیتیله و یادآوری اتفاقات مشابه در گذشته مبنی بر تبعیض نژادی و توهین و تحقیر علیه تورک‌ها، از دانشجویان خواسته شده است به منظور اعلام اعتراض خود ساعت ۱۲:۳۰ فردا دوشنبه جلوی رستوران مرکزی تجمع کنند. همه چیز در دانشگاه تحت تاثیر بخش این تراکت‌ها قرار گرفته است. هنوز نیم ساعتی از بخش اعلامیه‌ها نگذشته که ماموران حراست فیزیکی با حضور خود قصد ممناعت از این کار را دارند ولی با مقاومت دانشجویان کار بالا می گیرد و مسئولین حراست ضمن گرفتن کارت‌های دانشجویی آنها را به اداره‌ی حراست می برند. ۲۰ الی ۲۰ دانشجویی که در صحنه حضور داشتند با حضور در جلوی ساختمان حراست خواستار رهایی آن ۴ دانشجو می شوند. در نهایت بعد از ملاقات یک نفر از دانشجویان معترض با دانشجویان داخل حراست و مسئولین مقرر می شود که دانشجویان به کلاس‌هایشان برگردند و در عوض مسئولین نیز پس از گفتگو با نمایندگان دانشجویان زمینه‌ی صدور مجوز برای اعتراضات فردا را مهیا کنند.

طی آن جلسه از دانشجویان خواسته می شود قضیه‌ی تجمع و اعتراض را با بیانه‌ی ای لغو کنند. ولی دانشجویان زیر بار این خواسته‌ی مسئولین نمی روند و با تاکید بر این نکته که اعتراض حق طبیعی هر یک از اعضای جامعه در چارچوب آزادی‌های مدنی و نیز نشانگر بلوغ اجتماعی و سیاسی و رشد سطح فکر جوامع می باشد که همواره باید با احترام مواجه شود؛ اعلام می کنند که تجمع اعتراضی فردا با خواسته‌ی خیل عظیم دانشجویان برگزار خواهد شد.

اعلامیه در صفحات اجتماعی و گروه‌های دانشجویی نیز منتشر می شود. درحالی‌که انجمن‌ها و تشکل‌های مدعی دانشجویی در سکوتی عمیق و معنادار فرو رفته‌اند و شلوارهای چشم‌گوشان را بر صندلی‌های چسبناک مقام و منصب وصله زده‌اند؛ بسیاری از دانشجویان از حضور خود در مراسم فردا حرف می زنند. صبح دوشنبه ۱۸ آبان همه چیز حال و هوای خاصی دارد. از پلاکاردهایی که در خوابگاه‌ها برای تجمع ظهر نوشته می شود و اعلام آمادگی بسیاری از دانشجویان برای شرکت در مراسم و حضور گسترده‌ی مامورین حراست در محوطه سلف مرکزی که بگذریم؛ در چشمان بی‌قرار دختری که پرسید: «آغا - ۱۲:۳۰ دا حتمین تجمع اولاجاق؟» می شد دید که امروز قرار است اتفاقی بیفتد.

زمان به کندی می گذرد. با نزدیک شدن به زمان تجمع مسئولین دانشگاه که عزم جدی دانشجویان در برگزاری تجمع را به خوبی دریافته‌اند از اعلام صدور مجوز برای سالن چمران خبر می دهند.



ستاد مرکزی کم کم بطور کامل نمایان می‌شود. دانشجویان بعد از سر دادن شعارهایی جلوی ستاد، آرام و ساکت روی آسفالت منتظر ادامه‌ی برنامه می‌نشینند. نمایندگان دانشجویان معترض ضمن سخنرانی‌هایی اعلام می‌کنند که اگر هریک از مسئولین قصد سخنرانی داشتند وقت برایشان محفوظ است تا رو در رو با دانشجویان دیدگاه خود را بیان کنند.

دانشجویان در سخنرانی‌هایشان ضمن محکومیت اقدامات نژاد پرستانه و نیز اشاره به سابقه‌ی چنین توهین‌هایی، پایمال شدن حقوق زبانی، فرهنگی، اقتصادی و ... آذربایجان را توهینی بسیار بزرگ‌تر توصیف می‌کنند که در طی سالیان گذشته زمینه را برای گستاخی و توهین‌ها فراهم کرده است. این سخنرانی‌ها و نیز شعرهایی که در نکوهش نژادپرستی سروده می‌شود با استقبال و تشویق حاضرین همراه می‌شود.

ساعت حدود ۱۳:۳۰؛ یکی از نمایندگان وقت مردم اورمی در مجلس و رئیس دانشگاه در محل تجمع حضور می‌یابند. همزمان بیانیه‌هایی در حال پخش شدن است. همان تشکل‌هایی که نه از حضور در مراسم حرف زدند و نه چند سطری در محکومیت اعمال نژادپرستانه نوشتند، حال با حضور این همه دانشجویان فرصت تبلیغات را برای خود معتنم دیده‌اند و سعی در خودنمایی دارند. در همان چند سطر اول بیانیه‌ی‌شان لفظ «اشتباه سهوی» که دیده می‌شود با اعتراض دانشجویان روبرو شده و درحالی‌که فقط به چند نفر داده شده اجازه پخش باقی نوشته‌ها داده نمی‌شود. نماینده مجلس و رئیس دانشگاه ضمن محکوم کردن این اتفاقات پیرو درخواست مکرر دانشجویان قول مساعد مجوز تشکیل کانون آذربایجان‌شناسی را به دانشجویان می‌دهند. همچنین رئیس دانشگاه وعده‌ی ایجاد رشته‌ی زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی و رشته‌ی زبان تورکی استانبولی را در سال تحصیلی جدید به دانشجویان می‌دهد. بعد از سخنان رئیس دانشگاه و گفتگوی وی با دانشجویان لحظات پایانی مراسم نزدیک می‌شود.

بیانیه‌ی پایانی که خوانده شود این روز سراسر شور و اتفاق جایش را به خاطره‌ی ماندگار در ذهن تک‌تک این دانشجویان خواهد داد.

دانشجویانی که به درستی آرمانهایشان را قدرتمندتر از دستگاه زور دانستند و با شهامت دفاع از آزادی نشان دادند که لایق آزادی‌اند.

یکی از دانشجویان بیانیه را قرائت می‌کند: «... ما دانشجویان دانشگاه اورمی تنها راه مقابله با نژادپرستی علیه ملت تورک را احقاق تمامی حقوق آن‌ها می‌دانیم که متأسفانه حتی اندک وعده‌های داده شده نیز عملی نمی‌گردد...» با طنین‌انداز شدن فریاد «باشاسین آذربایجان، یاشاسین تورک میلیتی» توسط حاضرین این اعتراض باشکوه به پایان می‌رسد.

امروز یکسال از آن اتفاق می‌گذرد. طی این مدت اگر چه وعده‌ی برخورد مسئولین صدا و سیما جای خود را به تندیس فردوسی به عنوان برترین برنامه ساز کودک و نوجوان می‌دهد و وعده‌ی رئیس دانشگاه مبنی بر مجوز کانون آذربایجان‌شناسی و تاسیس رشته‌های زبان و ادبیات تورکی به تعلق تشریه‌ی دینز تفسیر می‌شود؛ اما امیدی که پس از این تمرین اتحاد در بین دانشجویان ایجاد می‌گردد بار دیگر ثابت می‌کند که آزادی در تابوت جای نمی‌گیرد.



ساعت ۱۲:۰۰؛ هنوز نیم ساعت به زمان موعود باقی مانده است. کم کم دانشجویان در گروه‌های چند نفری جلوی رستوران مرکزی حضور می‌یابند. مأمورین حراست سعی در مشایعت آنها به سمت سالن چمران را دارند. بی توجه به خواسته‌ی مسئولان هر لحظه بر تعداد دانشجویان اضافه می‌گردد. حالا دیگر می‌ترسند که بگویند به سمت سالن چمران بروید. نیک آگاهند که اگر جمعیتی این‌چنینی همه باهم بروند، اعتراضات و شعارهای آزادی خواهانه در محکومیت نژادپرستی و ظلم‌های روا شده که به هیچ وجه خوشایند مسئولین نیست شروع خواهد شد. مسئولین حراست به سرعت چند دستگاه از اتوبوس سرویس‌های دانشگاه را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند تا به سالن چمران نقل مکان کنند. تعدادی از دانشجویان به گمان اینکه این تصمیم جمعی و متحد دانشجویان است سوار بر اتوبوس به سمت سالن چمران حرکت می‌کنند. بیشتر جمعیت هنوز جلوی رستوران منتظر شروع مراسم هستند. مسئولین هرچقدر سعی می‌کنند که دانشجویان به چمران منتقل شوند سودی ندارد. دانشجویان حاضر در سالن چمران نیز وقتی از اتفاق افتاده باخبر می‌شوند به سرعت دوباره خود را به جلوی سلف می‌رسانند. هر لحظه بر تعداد حاضرین افزوده می‌شود.

تب و تاب وصف‌ناپذیری جلوی سلف ایجاد شده است. از زیر پله‌ها دورادور محوطه پر شده است.

از «we are turk» و «ورمو گؤلو جان وئریر» و ... که در دستان علم کشیده‌ی پسران به هوا بلند شده است تا دست‌نوشته‌ی «stop racism» دختری که به زیبایی روی مقوا طراحی شده بود، همگی یک پیام بیشتر ندارد؛ ما برای آزادی و حقوق برابر انسانها و رفع تبعیض فریاد برخواهیم آورد.

ساعت حدود ۱۳:۳۰؛ یکی از دانشجویان با حضور در وسط جمعیت برنامه‌های تجمع را راهپیمایی به سمت ستاد مرکزی و سخنرانی و قرائت بیانیه در مقابل ستاد اعلام می‌کند.

راهپیمایی دانشجویان به سمت ستاد مرکزی با شعار «اؤلوم اولسون فاشیسته» از خیابان کناری سلف مرکزی شروع می‌شود. قدم‌های نامنظمی که گاه تندتر می‌شود و گاه با مرتب کردن صف‌های جلویی ریتمی آرام به خود می‌گیرد. دانشجویان هربار که موبایل‌های مأموران حراست را در حال فیلم گرفتن از خودشان می‌بینند با قدرت بیشتری از جلوی در مرز انفجارشان «بیز اؤلمه‌یه حاضریریق، باکیم سربازی‌بیق» را بیرون می‌آورند. «آذربایجان میلیتی چکنمز بو ذیللتی» و «هارای هارای من تورکم» بیشترین شعارهایی‌ست که سر داده می‌شود. اما شاید زیباترین صحنه‌ی راهپیمایی در لحظه‌ای رقم می‌خورد که دختران دانشجو فریاد بر می‌آورند: «تورک دیلینده مدرسه» و پسران جواب می‌دهند: «اؤلمالی دیر هرکسه». مهم‌ترین نکته‌ای که با یادآوری آن لحظات به ذهن می‌رسد اینکه شاید هیچگاه در قالب قلم و کاغذ نتوان حس و حال آن دقایق را شرح داد. از آن دست اتفاقات و حال و هواهایی که در زندگی هر انسانی بیش از سه چهار بار اتفاق نمی‌افتد.



قضیه فقط فرجه نبود ...

میلا دخت سلیمی

برنامه‌ی توهین آمیز فیتله که پانزدهم آبان ماه سال گذشته در رسانه‌ی ملی ایران پخش شد، اگر چه از دید عده‌ای نژادپرست و توتالیتر، اشتباه و سوءفاهم بود، مضمونی غیر از توهین و تحقیر داشت. متأسفانه از طرفی جریحه‌دار شدن احساسات ملت ترک و از طرفی ایجاد فضای امنیتی از جانب دستگاه‌های کنترل و نظارت و عوام فریبی گسترده توسط طیف راسیست برای بی‌منظور جلوه دادن اتفاق رخ داده، آرامش کافی را از ملت ترک جهت تمرکز و تفکر بیشتر در یک نمایش ۶ دقیقه‌ای صلب نمود. نمایش هم‌چنان هوشمندانه طراحی شده بود که در عرض ۶ دقیقه، شنبع ترین افکار پان ایرانیسمی و تمام توهماتی که در مورد ملت ترک مخصوصاً ترکان آذربایجان ایران در ذهن‌ها تزریق شده است را به طور نا محسوس و توسط ۳ نفر، در قالب هتل و مسافر، آن هم برای قشر خردسال و نوجوان جامعه ارائه داد که به تشریح و تحلیل آنها می‌پردازیم:

* کلید پی بردن به عمق مطلب، درک ارتباط بین بازیگران نمایش و جامعه ی ایران است. در این نمایش، پدر و پسر ترک نمود کل ملت ترک (مخصوصاً ترکان آذربایجان)، هتل؛ نمود کشور ایران و مدیر هتل، نمود حاکمیت ایران است.

در ابتدای نمایش، پدر و فرزند ترک، به خاطر بد بودن شرایط (بوی بد) از مدیر هتل گلایه کرده و عدم تمایل خود به ادامه اقامت در هتل را ابراز می‌دارند که اشاره به ناراضی‌ت ترکان از شرایط ایران (بحران هویتی، تبعیض و...) و به دنبال آن جدایی‌خواهی دارد. مدیر هتل نیز با آرامش و لطافت تمام با آنان مدارا می‌کند، یعنی هر وقت ترک‌ها به خاطر مشکلات جامعه‌شان از حکومت شاکی می‌شوند، با استقبال گرم و لطافت مراجع ذریبط و گاها بی‌ربط مواجه می‌شوند. ناگهان مدیر می‌گوید قارپوزا که یعنی هندوانه اما پدر آن را خربزه معنی می‌کند یعنی آنقدر نادان است که فرق هندوانه و خربزه را نمی‌داند و این اشتباه از طرف مدیر هتل تکرار می‌شود اما پدر و فرزند باز هم متوجه تفاوت خربزه و هندوانه نمی‌شوند. از طرفی مدیر هتل نهایت تلاش خود را می‌کند تا به زبان ترکی صحبت کند یعنی حاکمیت، زبان خود را بر ملت ترک تحمیل نمی‌کند! سپس مدیر هتل شروع به توصیف اتاق پدر و پسر می‌کند: «اتاق ۵۰۱ که رو به دریا باز می‌شود و مرغ‌های دریایی ناشتا!!! از جلو آن رد می‌شوند. تخت‌خوابی که هنگام خواب، لالایی می‌گوید و...» که اتاق ۵۰۱ نمود مناطق ترک‌نشین (عمدتاً آذربایجان) بوده و امکانات اتاق به رفاه بی‌نظیری که دولت برای ترکان مهیا نموده است اشاره دارد. اما با این همه، پدر و پسر شاکی بوده و به راحتی اعتراض خود را با صدای بلند و گاها کاربرد کلمات نامناسب بیان می‌دارند اما مدیر هتل کاری جز مدارا نمی‌کند. در ادامه که پسر ترک در اشاره به توالیت فرنگی می‌گوید: «اونی که اونجا هست، ذهنش بازه ...» بار دیگر، پسر را نادان جلوه می‌دهد. هر بار هم که پدر تصمیم به ترک هتل می‌گیرد، انتظار دارد مدیر با چاپلوسی آنها را متقاعد به ماندن کند یعنی ترک‌ها در تصمیمات خود نسبت به مشکلات اجتماعی‌شان ثابت قدم نبوده و ناراضی‌ت آنان چیزی جز ادا و اطوار نیست! وقتی مدیر در جست و جوی بوی بد در اتاقش قدم می‌زند و متوجه انتشار آن از بدن پسر می‌شود، به پسر می‌گوید: «شما یک چرخی بزن آقا» که پسر با ترس به سمت پدرش می‌دود (ترس از تعرض مدیر به پسر). این قسمت، نشان از بی‌فرهنگی، گستاخی و ردالت اخلاقی عوامل تهیه و اجرای برنامه دارد که به کودکان جامعه ذهنیت فاسد را ارائه می‌دهد و مقصود، سوء تفاهم ملت ترک از اقدامات دولت و اعتراض (بی‌مورد) به آن است. وقتی پدر متوجه انتشار بوی بد از دهان بچه می‌شود، می‌گوید: «انگار درب سطل اشغال رو باز کردن!»

که یعنی دهان پسر با سطل اشغال فرقی ندارد و وقتی پسر می‌گوید: «آره، فکر کنم درب سطل اشغالتون بازه!» باز هم پسر، نادان و کج فهم جلوه داده شده است. پس از آن، پدر از مدیر عذرخواهی می‌کند و مدیر باز هم لطافت به خرج داده و می‌گوید: «اؤتور» یعنی ول کن. سپس پسر می‌گوید: «دیشب فکر کنم غذا از فاضلاب واسمون آوردن ...» یعنی پسر ترک، فاضلاب را به عنوان غذا خورده و چیزی هم نفهمیده جز بوی دهانش!!!

پس از مدتی، پدر در پاسخ به سؤال مدیر در مورد مسواک زدن پرسش می‌گوید: «بله، مسواک هتل رو زده (اشاره به فرجه توالیت)، پس معلوم شد مسواک های شما ایراد داره! گندک (یعنی بریم)» و باز هم اعتراض بی‌مورد، نادانی پدر و اصرار و خواهش مدیر...! سپس مدیر با ادکلن سعی در از بین بردن بوی بد دهان پسر می‌کند اما کارساز نمی‌شود و این بار مدیر به پسر شکلات می‌دهد. یعنی دولت در رفع مشکلات ملت ترک (ولو از جانب خودشان)، سنگ تمام می‌گذارد. سپس پسر در جواب سوال «شما از کدوم مسواک استفاده کردید؟!» که مدیر هتل پرسید، می‌گوید: «همون مسواک بزرگه ...» و پدر هم تأیید می‌کند. یعنی اگر اشتباه پسر را ناشی از بچه بودنش بدانیم، بزرگترش (ترک عاقل) هم متوجه این اشتباه نشده است که از نادانی منبعث می‌شود.

بلی، این بود مضمون اصلی یک برنامه‌ی کودک و نوجوان که برخی مدعی شدند فقط یک اشتباه و غیر عمدی بوده! برنامه‌ای که شاید قویترین ذهنیت و زبده‌ترین کارگردانی را سرمایه گذاشته بودند تا در جلوه‌ی فرجه‌ی توالیت و توهین، تفکراتی را القا کند که هرگز نقش در لوح حیات ترکان نبسته است (آزادی در اعتراض، تلطیف از جانب مراجع، رفاه و...). توهین، می‌توانست بدون مقدمه و بدون آن همه دیالوگ هم باشد. مانند انتشار پرستنامه ی توهین آمیز در دانشگاه تهران یا ماجرای سوسک در روزنامه‌ی ایران در سال ۸۵، هرچند آن جریان‌ات نیز نهنفته‌های خنجر ماندی داشتند. توهین بی‌مقدمه و تعمدی هفته‌نامه‌ی طرح نو در تابستان ۹۵ و نیز بی‌سواد نشان دادن ترک‌ها در سینمای ایران از همین دسته توهین‌ها هستند.

برنامه‌ی تلویزیونی انشای یک دانش آموز برای کلاس بیست که هر چه که خواسته و نوشته را بیان کند. چندین فیلتر مهم و سرسخت بین تولید و انتشار وجود دارد که سهو در این مورد، محال امر است. حتی برنامه‌های زنده یا چند دقیقه تأخیر پخش می‌شوند. (مانند مسابقات جام جهانی، مصاحبه‌ها، نشست های خبری و...). در نتیجه اشتباه نه در تولید، که در پخش نیز غیر قابل قبول است.

حتی تجلیل از فیتله‌ای‌ها و اهدای جایزه به آنان، درست بعد از توهین، و بازگشت دوباره‌ی آنان به تلویزیون در نوروز ۹۵، سازماندهی شده بودن آن برنامه را بار دیگر اثبات می‌کند. این امر، توهینی دیگر بود. افرادی که در ظاهر حتی برخی مقامات نیز از آنها شاکی شده بودند، در همین کشور جایزه گرفتند و به همان تلویزیونی که اخراج شده بودند بازگشتند انگار نه انگار که روزگاری قرار بود توسط خود حاکمیت مؤاخذه شوند...

ایکاش زخم‌هایی که بر دل و جان جوانان معترض زدن هم مثل وضعیت و مقام عوامل توهین، بهبود می‌یافت!



... نمی دانم فرمانده که همه چیز را می دانست چرا باز از ما سوال می پرسید!

فرمانده که شخصی خودهوشمند پندار بود گاهی تهدید و ترعب، گاهی نیز تلطیف و تحبیب می فرمودند.

- ببینید آقای فرمانده در بازی شطرنج چه سرباز باشید چه وزیر و چه اسب، بازی که تمام شد همه در یک ظرف انداخته می شویم پس لطفا ما را ترعب ننمایید....

- ببینید عزیزان من، ما نیز از این اتفاق اتفاقی رخ داده دلواپس و دلگیریم ولی اعتراض نمی کنیم. در این مواقع بهترین واکنش همین دلگیری است. من خودم

من خودم
در این بین من نیز با نیم نگاهی به سخنان پربار فرمانده به دقت با دو انگشتم نوک سیلیم را تاب می دادم.

بعد از چند لحظه سکوت، فرمانده دوباره ما را با سخنانش بهره مند کردند: ... اولاً در این موضوع و اصلاً هر موضوع دیگری جای اعتراضی نیست. ماشاا... همه چیز رو به سامان است و ما خیلی خوشبختیم. ثانیاً بالفرض محال اگر کسی هم اعتراضی دارد ما می توانیم در آسایشگاه آوارگان اتافی تعبیه نماییم و شما بروید در آنجا بصورت تک تک و با صدای یواش اعتراض بکنید و بعداً بیرون بیایید. دیگر آزادی از این بالاتر؟! خواهشمندم کمی هم انصاف داشته باشید. من هم از شما هستم!

فردا شد! و سربازان کثیری به صورت کاملاً اتفاقی عیناً طبق سخنان فرمانده مقابل ساختمان محافظت تجمع کردند و با صدای بلند برای آزادی و برابری شعار سر دادند.

فرمانده آمد و خوشحال و راضی از این اتفاق کاملاً اتفاقی، او نیز با صدای بلند گفت:

- من هم از اتفاق اتفاقی قبلی ناراحتم

- من قول می دهم ...

- من ...

- من ...

- ممممممم

اتاق «۳۱۹» در پادگان «اجازلو»

احسان سلماسی

این داستان کاملاً ساختگی است و هر گونه تشابه میان وقایع یا شخصیت های آن با واقعیت، کاملاً اتفاقی است.

بر اساس حقیقت!

فکر می کنم ترکیب «پادگان» از پسوند مکان «گان» و اسم «پاد» به معنی «ضد» تشکیل شده باشد؛ علی الظاهر به مکانی اشاره دارد که با هر چیز طبیعی و نرمال در تضاد باشد... و اما «اجازلو»! چه اسم با مسماهی!
«اجاز» در ترکی به معنای آرمال است و «لو» پسوند مزید مؤخر امکانه می باشد حقیقتاً نیز ترکیب مطبوع و دلکشی است این امتزاج و اختلاط «پادگان اجازلو»!

مکان و زمان مورد اشارت ۲۰-۱۵ کیلومتر با آبادی بصورت کاملاً اتفاقی فواصل پیدا کرده بود.

داخل پادگان بصورت کاملاً اتفاقی، اتفاقی رخ داد. سربازان با سر بسته گان مشغول مصاحبت و همنشینی بودند در این بین عدهای سرشناس و عدهای دیگر سرشناس بودند ولی صرف نظر از شناسها و ناشناسها اکثر سرها افکارشان کدر و مشوش شده بود.

تعدادی از سربازان بنامهای الف، ب، ج، د، ز دسته دارط بی دسته و ... بر این باور بودند که دیگر باید در برابر این اتفاق کاملاً اتفاقی یک اتفاق اتفاقی دیگر رخ بدهد. سربازها بسوی اتاق ۳۱۹ در آسایشگاه آوارگان شتافتند.

یکی از سربازان که بر حسب اتفاق سرش نیز شناسایی شده بود گفت: ... {محرمانه}

و اون یکی سرباز به نام... {محرمانه} گفت: ... {محرمانه} و ... {بسیار محرمانه}

بالاجمال، نتیجهی این سخنان شفاف و زلال توافق به یک تجمع و تراکم اتفاقی به منظور اعتراض به اتفاق اتفاقی مضمئن کننده شد. فردا شد. روز روشن، داخل پادگان عدهای مشغول توزیع شب نامه بودند. در این بجهوجه یک شخصیت که عرض ایشان بر طولشان غالب می آمد نزدیک بجهوجه شد و تنی از سرشناسها را دعوت به صرف چای در اتاق پرس و جو واقع در ساختمان «محافظت» نمود.

اتاق پرس و جو!

تاریک، مرطوب، یک میز با صندلی های چوبی در طرفین آن که چراغی از قسمت فوقانی آویزان است و دائماً تکون می خورد... هیچ کدام یک از اینها نبود.

اندکی نشستیم بودیم که ناگهان آرایشگر پادگان با یک سینی چای وارد اتاق پرس و جو شد. آنجا بود که فهمیدیم از قرار ایشان نیز دو شغله می باشند و علاوه بر آرایش موهای سر، در شناسایی خود سرها نیز مهارت قابل توجهی دارند.

بعد از چند دقیقه فرمانده که اتفاقاً شخصی خاموش فکر نیز بودند داخل شدند و برق آسا شروع به ایراد سخن نمودند:

- ما همه را زیر نظر داریم

- می دانم

- ما می دانیم شما چه کارهایی می کنید

- بله

- ما همه چیز را می دانیم

- بله

روند اقتصاد آذربایجان

سکینه فلاحتی



فعالیت‌های اقتصادی انسان در رابطه با محیط طبیعی همراه با عوامل دیگری همچون انسان‌های کار آمد و لایق و مجهز به تکنولوژی و نظام‌های سیاسی موجود تاثیر قطعی بر سرنوشت اقتصادی و اجتماعی همان کشور خواهد داشت.

موقعیت جغرافیایی و طبیعی شمال غرب کشور به علت ویژگی‌های خاص و منحصر به فردش از زوایای مختلفی قابل نقد و بررسی بوده و می‌باشد. این منطقه به لحاظ هم مرز بودن با ۴ کشور خارجی و سایر عوامل دیگر موقعیت سیاسی و اقتصادی ویژه‌ای به

منطقه آذربایجان بخشیده‌است. اما به رغم این همه پتانسیل‌های موجود، آذربایجان

نتوانسته جایگاه مطلوب و حقیقی خود را در سطح کشور پیدا نماید که مسلماً عوامل متعدد در طی دوره‌های مختلف در این امر دخیل بوده و هستند. قبل از روی کار آمدن نظام سرمایه‌داری و تمرکز قدرت و سرمایه در پایتخت (تهران) تمامی ۴ ایالت موجود در

سطح کشور از جمله ایالت آذربایجان از استقلال اقتصادی و اجتماعی برخوردار بودند که با روی کار آمدن رضاخان پهلوی و نگرش بدبینانه او نسبت به ملت آذربایجان از هر نظر منجر به عقب‌ماندگی آذربایجان گردید (تشکیل حکومت دموکرات آذربایجان نقطه عطفی در تحولات اقتصادی آذربایجان ایجاد کرد، ولی نهایتاً حکومت مرکزی را به تلاش گسترده برای سرکوب القا کرد و موفق هم شد) که این نگرش تا حال نیز ادامه دارد. به طوری که سرمایه‌گذاری و تاسیسات زیربنایی موجود در منطقه آذربایجان قابل مقایسه با مناطق مرکزی در راس آن تهران و اصفهان نیست. با این حال یکی از مناطق اقتصادی آذربایجان کنسار مس سونگون می‌باشد. این معدن در آذربایجان شرقی، ۳۰ کیلومتری

شهرستان ورزقان قرار گرفته است. عملیات اجرایی احداث در مجتمع مس سونگون برای حل مشکل و معضل بیکاری منطقه در ۳۰ خرداد ماه ۲۰۱۱ آغاز شد و بعد از آن نیز پروژه‌های بعدی کلنگ زنی شد. ولی عوایداتی که از صنعت مس باید در جهت عمران و آبادانی شهرستان محروم ورزقان هزینه می‌شد سر از شهرها و حتی کشورهای دیگر درآورد. موضوع انتقال مس آذربایجان به کرمان موضوع تازه‌ای نیست و این عمل از آغاز فعالیت های رسمی معدن مس سونگون توسط تصمیمات هدفدار صورت می‌گیرد. چندی پیش نماینده مردم ورزقان در مجلس از فریب افکار عمومی مردم آذربایجان و تخلفات ثبت شده در دفتر اسناد رسمی خبر داد. رضا علیزاده در گفتگو با خبرگزاری تسنیم با اشاره به تعطیلی طرح‌های توسعه‌ای شهرستان ورزقان در سه سال اخیر گفت شرکت مس آذربایجان سالانه بیش از یک میلیارد تومان خام فروشی دارد که تنها ۳۳۳ میلیون تومان از آن در دفاتر رسمی تدوین میشود وی در ادامه افزوده بود که این طرح‌ها ضمن توسعه منطقه می‌توانست نقش بسزایی در اشتغال زایی ایجاد کند ولی به دلایل واهی به صورت کنسانتره و خام از استان خارج شده و به

کرمان یا چین صادر می‌شود و در آن قسمت ها تبدیل صورت میگیرد. با عدم وجود صنایع تبدیلی مس در آذربایجان به خصوص در منطقه قره داغ، سالیانست که انتقال مس صورت میگیرد. تاخیر در اجرای پروژه‌های سونگون به حدی بوده‌است که هیچ دلیلی برای ادامه تاخیر و ممانعت از ایجاد شهرک صنعتی مس و صنایع جانبی مس در منطقه پذیرفتنی نخواهد بود.

حال سوال من این است آیا معدن مس سونگون قدیمی در رفیع عقب افتادگی و تسریع در روند رشد و توسعه و ریشه کنی معضل بیکاری و جلوگیری از موج مهاجرت در منطقه قره داغ برداشته است؟ اگر چنانچه چنین نباشد دلیلی ندارد که قارا داغ محیط منحصر به فرد خویش را در معرض تهدید آلودگی های ناشی از پسابهای صنعتی قرار دهد!!!

کارشناسان محیط زیست معتقدند کارخانه ذوب مس در صورت اجرایی شدن روزانه حدود ۴۳۳ تن گاز دی اکسید کربن در فضا تولید میکند که دو تا سه برابر میزان نرمال است. گفتنی است این گاز در فاصله ۷ کیلومتری جنگل های قره داغ تولید میشود...

همچنین در صورت عدم کنترل دقیق پساب های تولیدی ناشی از فعالیت این واحدها سرنوشت بسیار خطرناک تری در انتظار اکوسیستم منطقه و حتی کشور میباشد. به طوری که در صورت عدم کنترل و ورود فلزات سنگین و سمی به رود آراز که تنها ۵۲ کیلومتر با معدن مس فاصله دارد (و اینکه آلودگی ناشی از پساب های صنعتی کشور ارمنستان هم که وارد آراز شده) آثار مخربی بر گونه های جانوری خواهد گذاشت.

تعدادی از کارشناسان نیز با هشدار نسبت به جدی گرفتن طبعات ناگوار ورود فلزات سنگین به آبهای سطحی و زیرزمینی و عدم تکرار حادثه خلیج میمیماتا ی ژاپن خواستار رعایت های استانداردهای زیست محیطی شدند. در خاتمه اینکه آذربایجان دارای قابلیت‌های اقتصادی زیادی بوده و هست اما لازم است تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی کشور انجام گیرد و از قابلیت های اقتصادی آذربایجان متناسب با جایگاه آذربایجان به عمل آمده و سرمایه گذاری های لازم در چهارچوب فناوری های روز زیست محیطی مجهز شوند و تمام قوانین و ملاحظات زیست محیطی در این زمینه به دقت عمل شود.

اوزگه چیراغینا یاغ اولماق دها بس دیر

دوغما ائلریمیز قارائلیق دا دیر

قایناق

تحلیلی بر روند کلی آذربایجان - دکتر یعقوب برزگر

بررسی اثرات زیست محیطی معدن مس سونگون - عبدالله سمیعی کارشناسی ارشد رشته فراوری مواد معدنی -

جرم یا جرم انگاری ذکریا صفایی

قانون همان ضمانت رسمی است که از طرف قدرت حاکم برای همگان وضع می شود و شهروندان باید از آن پیروی کنند. دادگاه‌های امروزی مثالی از ضمانت‌های رسمی هستند. ضمانت غیررسمی قوانین نوشته‌شده و یا وجدان جمعی جامعه است که بر کنش افراد، اجباری نامرئی القا می‌کند. مثلا دانشجویی در ایران را در نظر بگیرید که به هم‌کلاسی‌هایش تقلب ندهد.

احتمالا این فرد با عصبانیت دوستانش مواجه خواهد شد و ناچار به همنوایی با آنان یا در صدد ارائه دلیلی موجه بر این ناهمنوایی‌اش بر خواهد آمد. این همان ضمانت غیررسمی از نوع تنبیهی است که دانشجوی ایرانی را وادار به شرکت در تقلبات دانشجویی در امتحانات می‌کند ولو در کتاب قانون نوشته‌شده باشند. این ضمانت‌ها برگرفته از ارزش‌ها و در کل در ارتباط با فرهنگ جامعه می‌باشند. شخص ایرانی مسلمانی که تصمیم به اخذ دین و آیین دیگری می‌کند را در نظر بگیرید. این فرد در ایران احتمالا برحسب حکم ارتداد که برگرفته از قوانین دینی (شریعت) است، به دادگاه محکوم به اعدام شود. جامعه‌ی ایرانی هم احتمالا آن فرد را مستحق مرگ پندارد. اما همین فرد در کشوری دیگر نه اعدام می‌شود و نه از نظر افراد جامعه مستحق مرگ به‌شمار می‌رود. پس این سیستم فهری همسنگی نزدیکی با ارزش‌های جامعه دارد. به سبب همین ارتباط معمولاً بین وجه صوری و عینی قانون فاصله وجود دارد. هر قانون بالقوه‌ای که تصویب می‌شود، باطلی از جرم منحصر در تعارض با ارزش‌های موجود نباشد و از طرف جامعه پذیرفته شود. هیچ قانونی با بی‌توجهی به ارزش‌ها دوام نخواهد آورد. تصور قانون اعدام برای حکم از دین برگشتن در کشور سوئیس امکان‌پذیر نخواهد بود. زیرا طبق قانون کشور سوئیس که برگرفته از جامعه هست، این فرد مجرم شناخته نمی‌شود. البته بین جرم و کجروی تفاوت وجود دارد. کجروی حالتی کلی دارد، ولی منظور از جرم منحصر رعایت نکردن قانون می‌باشد. در طول تاریخ شریعت کجروهای وجود داشته‌اند. همیشه افرادی بوده‌اند که از رعایت هنجارهای اجتماع سر باز زده‌اند. مثال‌های گفته شده، نمود همین کجروهاست که امروزه شاید به عنوان قهرمان یا اصلاح‌گر شناخته می‌شوند. در تبیین جرم و کجروی نظریه‌ای به نام برجسبزی وجود دارد.

بر اساس نظریه‌ی برجسبزی، کجروی خصوصیات یک فرد یا گروه خاص نیست، بلکه نمود فرآیند کنش متقابل میان کجروها و غیرکجروهاست. به عقیده‌ی نظریه پردازان برجسبزی هیچ عملی ذاتا مجرمانه نیست و در ارتباط با هنجارهای دیگر مقلب به جرم می‌شود. مثلا قتل در جنگ عملی عادی و بعضا شایسته‌ی پادشاه به شمار می‌رود ولی بعد جنگ، قتل هر فردی سزاوار مجازات انگاشته می‌شود. اکثر بی‌عدالتی‌ها به دلیل برجسب‌های نه لزوما واقعی اتفاق می‌افتند. اگر فکر یا عملی بر اساس ارزش‌های جامعه عملی کجروانه باشد و قدرت حاکم بتواند با استفاده از آن برجسب، مخالفان را پاکسازی کند، مسلما اعتراض یا تغییری گسترده در سیستم حاکم به وقوع نخواهد پیوست. در ایتالیا بی‌گانه‌ی مردم‌دانش پیرو کلیسا هستند، هر تحقیق علمی که نتیجه‌اش در تناقض با معیارهای کلیسا باشد، برجسب کجروی می‌خورد و محقق بدون هیچ بازخوردی از طرف جامعه محاکمه می‌شود. اظهار نظر حضرت محمد(ص)، تا زمانی که مردم عربستان گوششان را به سخنی به غیر از اوامر اربابانشان بسته باشند، جرم محسوب خواهد شد. حتی در این مورد نیازی به اقدام قانون و قدرت نبود و خود مردم به نایب، مجازاتش کردند.

صمد بهرنگی درست به همان دلیل که مردم از حقوق خود و اهمیت آموزش بی‌خبرند، مجرم‌بست که مجازات مرگ برای او در مقابل با ارزش‌های جامعه نیست و اعتراضی جمعی را به دنبال نخواهد داشت. اگر در کشوری، فردی به خاطر بر چسب مخالف نظام حاکم بودن، از حق دفاع از خود و اختیار و کلیل آزاد محروم می‌شود، دقیقا به همان دلیل است که وجدان جمعی جامعه این حق را برای آن شخص قائل نیست و جامعه، مخالف نظام حاکم بودن را مجرمانه تلقی می‌کند. اگر دانشمندان زندانی می‌شوند، اگر یک نظریه‌ی علمی دشمنی محسوب می‌شود و ارتباط با بیگانه خوانده می‌شود، به خاطر هموارسازی مسیر محاکمه می‌باشد. زیرا این برجسب در جامعه کارآمد است. اگر امروزه فعالان مدنی مجبور تحمل حکم‌های غالباً ناعادلانه برای افکار ظاهر مجرمانه می‌شوند، دلیلش را باید در جامعه پیدا کرد. اگر در کشوری حکم تجزیه‌طلبی رضایت جامعه را در قبال مجازات اجرائی جلب می‌کند، دلیلش این نیست که استقلال‌خواهی ذاتا خواسته‌ی مجرمانه باشد، صرفا اینکه با توجه به فرهنگ جامعه لایق برجسب کجروی به حساب می‌آید. برجسب کجروی برای این افراد، از منظر جامعه مجاز شمرده می‌شود و دست قدرت حاکم را در محاکمه باز خواهد گذاشت. خصوصا اگر حکومت، حکومتی خودکامه باشد. یعنی در کل، هر عمل و فکری که از دید جامعه مجرمانه باشد و قدرت حاکم بتواند آن عمل یا اندیشه را به عنوان کجروی معرفی کند، می‌تواند هر گونه ناعدالتی را موجه جلوه دهد.

منابع:

جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی.
جامعه‌شناسی ماکس وبر نوشته ژولین فروند، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات رابین.
گالیلو گالیلی، دانشمند مشهور ایتالیایی و استاد دانشگاه پادوا در حوزه‌های هندسه، مکانیک و نجوم از کشفیاتش دست کشید. گالیلیه طی مطالعاتش در مورد نظریه‌ی کوپرنیک مبنی بر مرکزیت نداشتن زمین، متوجه نادرست بودن دیدگاه ارسطویی مرکزیت زمین که توسط کلیسای کاتولیک نیز حمایت می‌شد، گشت. در همین راستا، در سال ۱۶۱۰ میلادی، طی مقاله‌ای، یافته‌های اخیرش را منتشر کرد. ولی درست به همین دلیل توسط کلیسا محاکمه شد و توبه‌نامه‌ی مشهورش را امضا کرد.
محمد بن عبدالله، از طائف با سنگ بدرقه شد. حضرت محمد(ص) که بعد از مرگ عمویش ابوطالب و همسرش خدیجه، تقریبا بی‌پشتیبان مانده بود، به طائف رفت تا شاید از رسانتش استقبال شود. بیشتر، او طی ملاقات‌هایش در مکه با سران قبایل عرب و بخصوص قبیله‌ی ثقیف که ساکن طائف بودند، از پیامبری خود به آن‌ها گفته بود. به طائف رفت و با رؤسای قبایل خواسته‌ی دموکراتیک خود را در میان نهاد. ولی جوابی دموکراتیک دریافت نکرد و با سنگ بدرقه شد.
صمد بهرنگی در رود آراز کشته شد. صمد، معلم تیریزی بود که تمام عمر کوتاه خود را صرف کودکان سرزیمینش کرد. از سال ۱۳۳۶ شمسی، یعنی از وقتی که فقط ۱۸ سال داشت، تا پایان عمر کوتاه ولی پربارش، یعنی تا سال ۱۳۴۷، از رسالت معلمی‌اش غافل نشد. به روستاها رفت. معلمی کرد و به همین سبب که می‌خواست واقعا معلم باشد، متوجه نقایص اساسی نظام آموزشی شد و در صدد اصلاح آن بر آمد. نقض‌هایی که غالبا هنوز هم پابرجا مانده‌اند. کتاب آموزشی تالیف کرد، ولی تایید نشد. کتاب داستان چاپ کرد، ولی پاداشش محاکمه بود. در سال ۱۳۴۳ به خاطر نشر کتاب «پاره یاره» محاکمه شد و مدتی از تدریس تعلیق شد. ولی او بیدی نبود که با این بادها بلزد و این موضوع را ساواک، پیش از هرکس دیگری فهمیده بود. اما نتیجه‌ی جان فشانی‌ها و طرح‌های اصلاحی‌اش، غرق شدنش در رود ناعدالتی بود.

اکثر ما این حکایات را شنیده‌ایم. شاید فردی نباشد که به نا عادلانه بودن این مجازات‌ها و این محاکمه‌ها شکی داشته باشد. ولی آیا در جامعه‌ی امروزی ما و جوامع دیگر، اینگونه ظلم‌ها ریشه کن شده‌اند؟! آیا دیگر کسی به خاطر تحقیقات علمی‌اش مجازات نمی‌شود؟! آیا هیچ کس به خاطر اندیشه‌اش فراری داده نمی‌شود؟! آیا صمد بهرنگی‌ها در امن و امان مشغول معلمی هستند یا اصلا می‌توانند معلم بمانند؟! جواب این سوال‌ها سخت نیست. اگر اندکی چشم و گوشمان را باز نگه داریم، مطمئنا دامنه‌ی این داستان‌ها و داستان‌های جدید از این قبیل، آزارمان خواهد داد. شاید همه‌ی ما از مجازات‌های بی‌محاکمه و محاکمه‌های بدون حق دفاع شنیده باشیم. سالی نیست که از کثرت اعدام‌های سیاسی در کشورهای مختلف مطلبی به چشممان نخورد. لیست‌های عرض و طولیل سازمان‌های بین المللی از نقض حقوق بشر در برخی کشورها، سرخط تمام خبرگزاری‌های دنیا می‌شود. با چشم و گوشی باز، مطمئنا کشف ناعدالتی‌های گسترده حتی در قرن حاضر، سخت نخواهد بود. هنوز هم قبول بعضی افکار و اندیشه‌ها، جرم محسوب می‌شود. شاید مسخره به نظر برسد ولی حتی در قرن حاضر کودکان زیادی از حق تحصیل به زبان مادری محروم‌اند و باید بار زبانی تحمیلی را تا آخر عمرشان بر دوش بکشند. سیستم‌های حکومتی‌ای که صرفا تصور یک سیستم سیاسی خاص برای آینده‌ی ملت، جزایش مرگ است. نویسندگانی که به دلیل کتاب چاپ نشده‌شان مجازات می‌شوند. کارگرانی که باید شلاق بخورند و از حقوقشان دم زنند. صدها اعدامی که حتی دقیقا متوجه جرمشان نمی‌شوند و صدها پدیده‌ی مشابه که در همین نزدیکی به وقوع می‌پیوندد. دلیل چیست؟! آیا این قوانین و محکمه‌های ظالمانه به خاطر وجود یک قدرت بالادستی است؟! یا دلیل دیگری دارد؟

منشاء بسیاری از سوءتفاهمات از به کارگیری لغات مشترک در علوم متفاوت می‌باشد. قانون هم یکی از این لغات ابهام زاست. در علم حقوق منظور از قانون، همان بندهای کتاب قانون می‌باشند که درست بعد از تصویب شدن با اجباری همراه خواهد بود و همه باید از آن پیروی کنند. ولی آیا در جامعه‌شناسی هم اینگونه است؟

زندگی اجتماعی مدیون قواعد و هنجارهایی است که از رفتار تک-تک افراد جامعه نشأت می‌گیرد. رفتارهایی که عمدتا ارزشی خاص را منعکس می‌کنند و نهایتا باعث ایجاد قوانین رسمی می‌شوند. تمامی هنجارهای اجتماعی نیازمند وجود یک سیستم فهری می‌باشند. این سیستم فهری همان ضمانت‌های رسمی و غیررسمی هستند که عملی شدن هر قانون را در داخل جامعه تضمین می‌کنند. ضمانت‌ها می‌توانند مثبت(پادشاه دادن) و منفی(تنبیه کردن) باشند.



مرتفع ترین برج جهان در آذربایجان با نام آذربایجان

کیوان عباسیان



آشنایی با ضرب المثل‌های آذربایجانی حبیب رفاهی

در مقدمه «کتاب فرهنگ قافلانکوه حبیب اله قمری» می‌خوانیم: این کتاب مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های ترکی است که مدتها در جمع‌آوری آن سعی و تلاش به عمل آمده. زبان ترکی از بستر زادگاه خود با توجه به موقعیت جغرافیایی خویش در منطقه آسیا به حرکت در آمده و دامنه خود را گسترش داده و به دلیل جنگ‌های پی در پی و بی‌امان با همسایگان و اختلاط و امتزاج آن با فرهنگ‌های گوناگون هویت جدید یافته است. قدرت و توانمندی هر زبان در ضرب‌المثل‌ها و داستان‌ها و بیاتی‌ها و معماهای نغز آن تبلور و تجلی پیدا می‌کند. زبان ترکی مملو و سرشار از این میراث‌های گرانبها به ویژه ضرب‌المثل‌های ناب و ثقیل یافته است که همانند جواهر گرانبه در گلوگاه این زبان می‌درخشد و به زیبایی آن جلوه‌ی خاصی می‌بخشد. این زبان که تعداد زیادی از جمعیت کشور ما در نقاط مختلف با آن صحبت می‌کنند در ردیف یکی از زبان‌های ترکیبی و پیشرفته‌ی جهان است. متأسفانه یکی از موارد خطرناکی که این زبان را تهدید می‌کند عدم کتابت آن است که امروزه ما فقط می‌توانیم به زبان تکلم کنیم و علاوه بر اینکه امکانات لازم جهت آموزش آن به صورت آکادمیک فراهم نمی‌باشد، نوشتن آن نیز مستلزم کسب اجازه از مسوولین می‌باشد.

فرهنگ زبان ترکی سرشار از ضرب‌المثل‌هایی با معنا و مفهوم خاص و پر محتوایی می‌باشد که در اینجا به بخشی از این ضرب‌المثل‌ها اشاره می‌کنیم:

آغلارسا آنام آغلار، قالاتی یالان آغلار.
ظولم بینا باغلاماز.
هرکس اؤز اکدیگین بیچر.
نه آتسان آشینا، گلر چیخار قاشیغینا.
آغیل یاشدا دنیل، باشدا اولار.
گزن یایغا داش دیز.
آت منیم اولسامینیم آخساماساز.

جمهوری آذربایجان کشوری در شمال رود آراز دارای مساحتی برابر ۸۶۶۰۰ کیلومترمربع است که پرجمعیت‌ترین و قدرتمندترین کشور در منطقه قفقاز محسوب می‌شود. پایتخت آذربایجان، باکو(باکی)، حدوداً دارای ۲ میلیون نفر جمعیت می‌باشد که در کنار دریای خزر واقع شده و امروزه به مرکز سرمایه‌گذاری شرکت-های داخلی و خارجی تبدیل گردیده‌است. اهالی جمهوری آذربایجان همچون آذربایجانی‌های جنوب رود آراز، تورک تبار و مسلمان می‌باشند و زبان رسمی دولت «تورکی آذربایجانی» می‌باشد.

آذربایجان با پیشرفت‌هایی که در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و علمی دارد در این تلاش است که هم به اتحادیه اروپا بپیوندد و هم در بازارهای غیرنفتی جهانی سهمی باشد.

مجموع جزایر مصنوعی آذربایجان که در جنوب غربی شهر زیبای باکو در حال احداث می‌باشد، یکی از روش‌ها برای پیش بردن و ارتقای سطح اقتصادی کشور از طریق جذب توریست می‌باشد. تکمیل این مجموعه می‌تواند پایتخت آذربایجان را به یکی از بزرگترین شهرهای پردرآمد و توریستی منطقه و جهان تبدیل کند. قطعاً صنعت توریسم، تأثیرات فراوانی بر شناخت فرهنگ غنی، آیین و رسوم، موسیقی، معماری و تاریخ مردم تورک آذربایجان دارد.

جزایر مصنوعی درحال احداث در آذربایجان، مجموعاً ۴۱ جزیره بوده که مساحتی بالغ بر ۲ هزار هکتار را به خود اختصاص می‌دهد و قابلیت میزبانی از یک میلیون نفر را خواهد داشت. این جزایر شامل مدرسه، بیمارستان، مراکز اداری و تجاری، دانشگاه، پیست اتومبیل‌رانی فرمول ۱ و سایر مراکز ورزشی و تفریحی می‌باشد. همچنین، در این جزایر برج‌ها و آسمان خراش‌هایی با ۲۵ الی ۶۰ طبقه ساخته خواهد شد. شروع احداث این مجموعه از سال ۲۰۱۶ بوده و طبق گفته‌ها و تخمین شرکت‌های سازنده‌ی آن، ساخت این جزایر تا سال ۲۰۲۲ به طول می‌انجامد.

عامل و هدف اصلی جذب گردشگر در این جزایر، مربوط به برجی است که با نام «آذربایجان» مزین گشته‌است. برج «آذربایجان» با ارتفاع ۱۰۵۰ متر، شامل ۱۸۶ طبقه که حدود ۲۰۰ متر بلندتر از برج خلیفه‌ی دبی می‌باشد، به بلندترین برج جهان تبدیل خواهد شد.



وطن‌سیز اولان کفن‌سیز قالار.
وطن ویرانه ده اولسا، یئنه جنت‌دی.
وطنه گلدیم، ایمانا گلدیم.
آت اولر میدان قالار، ایگید اولر شان قالار.
آندان بیخیلمایان اتلی اولماز.
آختاران تاپار.
آدام یاتیللا- یاتیللا اؤیره‌ئر.
آسلان قوجالاندا باشینا چاقاقال- چوققال توپلاشار.

محمدامین رسولزاده، اولین رییس جمهور در جهان تورک - اسلام

علی منافزاده

به این ترتیب ملت آذربایجان نه تنها در میان ملت‌های تورک زبان بلکه در میان تمامی ملت‌های مسلمان، برای اولین بار حکومت جمهوری تشکیل داد. پرچم جمهوری آذربایجان متشکل از سه رنگ آبی، قرمز و سبز است و علامت سفید رنگ هلال ماه و ستاره هشت پر در قسمت میانی آن قرار دارد. رنگ آبی نشان میراث تورکی و تورک بودن است، رنگ سرخ پرچم به نشانه پیشرفت و حرکت بسوی دموکراسی و مدرنیته است و رنگ سبز علامت مدنیت و مسلمان بودن ملت آذربایجان است. این پرچم که برپایه ایدئولوژی «تورک‌لشکم، معاصیرلشکم، ایسلام‌لاشماق» می‌باشد، از سال ۱۹۱۸ تاکنون به عنوان پرچم جمهوری دموکراتیک آذربایجان برگزیده شده است.

صرف‌نظر از عمر ۲۳ ماهه این حکومت، اقدامات بسیار مهمی در دوره جمهوری خلق آذربایجان انجام یافت. از آن جمله، اولین پارلمان دموکراتیک در جهان تورک و مسلمان شکل گرفت، آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک افراد تأمین گردید و برای اولین بار در مشرق زمین به زنان حق رای داده شد. در نتیجه تلاش‌های محمدامین رسولزاده دانشگاه دولتی باکو در سال ۱۹۱۹ تأسیس گردید و وی در این دانشگاه به تدریس تاریخ ادبیات تورکی پرداخت.

در ۲۸ آوریل ۱۹۲۰ نیروهای ارتش سرخ باکو را تصرف و جمهوری آذربایجان را ساقط کردند و به دنبال آن رسولزاده دستگیر و زندانی شد. در این زمان استالین به باکو آمده و او را از زندان نجات داد. رسولزاده به پیشنهاد استالین به مسکو رفت و در دانشگاه مسکو تاریخ و ادبیات شرق تدریس می‌کرد. از آنجاییکه شیوه استالین کشتن دوستان قدیمی بود، رسولزاده با یاری برخی از اعضای حزب مساوات به فنلاند رفته و از آنجا در سال ۱۹۲۲ وارد ترکیه شد. استالین از آتاتورک خواست طبق قرارداد استرداد مجرمین سیاسی رسولزاده را به شوروی تحویل دهد ولی، آتاتورک حاضر به تحویل رسولزاده نشده و از وی خواست تا آرام شدن اوضاع، ترکیه را ترک کند. رسولزاده بعد از این به لهستان رفته و در آنجا ازدواج کرد.

با حمله آلمان به لهستان در سال ۱۹۳۹ رسولزاده به ترکیه بازگشت. در این زمان هیتلر برای عملی کردن نقشه‌های بلند مدتش در قفقاز به کسی نیاز داشت که در منطقه قفقاز نماینده او باشد. هیتلر وصف رسولزاده را شنیده و تشخیص داد که او فرد مناسب است. رسولزاده در آلمان با هیتلر دیدار کرد. آرزوی او ایجاد کشور آذربایجان به یاری آلمان بود. زمانی که هیتلر آماده سازماندهی ارتش خود بود از رسولزاده خواست تا برای آنها سخنرانی کند. اما در سخنرانی او مسائل آذربایجان نقش محوری داشت و هیچ یک از اهداف هیتلر نمود پیدا نکرد. از این رو هیتلر حضور محمدامین رسولزاده را در آلمان برنتابید و خواستار اخراج هرچه سریع‌تر وی از آلمان شد. رسولزاده نیز به ترکیه بازگشت و به فعالیت‌های انقلابی و روزنامه نگاری ادامه داد و سرانجام در ۶ مارس ۱۹۵۵ به علت بیماری قند در آنکارا بدرود حیات گفت و در قبرستان عصری آنکارا دفن شد.

فریدون آدمیت در کتاب «ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران» درباره محمدامین رسولزاده نوشته است: محمدامین رسولزاده اندیشگری است پرمایه، با ذهنی فرهیخته و فکری منظم و منطقی، از مردان استوار و با فضیلت بود.

محمدامین رسولزاده در ۳۱ ژانویه ۱۸۸۴ در روستای نوخالی باکو چشم به جهان گشود. پدرش حاج ملا علی‌اکبر و مادرش زال‌قبیزی می‌باشد. پدرش با اینکه روحانی دینی بود اما پسرش را پس از آموزش دروس ابتدایی به مدرسه فنی فرستاد تا علوم دنیوی را فرا گیرد.

محمدامین در ۱۹۰۲ مؤسسه جوانان مسلمان را تأسیس کرد که یکی از اهداف آن چاپ و پخش بیانیه در بین کارگران کارخانه‌ها بود. یک سال بعد اولین مقاله‌اش در روزنامه «شرق روس» چاپ شد. او همچنین مؤسس چندین نشریه در جمهوری آذربایجان، ایران، ترکیه و انگلیس از جمله: همت، ارشاد، فیوضات، ترقی و یولداش است. او در سال ۱۹۰۵ در جریان مبارزات انقلابی خود با استالین آشنا شد. استالین در آن زمان در باکو بود و کارگران شرکت نفت را علیه سرمایه‌داری و تزار سازماندهی می‌کرد. زمانی که مقامات رسمی روسیه تلاش کردند استالین را دستگیر و زندانی نمایند، رسولزاده او را در آپارتمان شخصی خود پنهان کرده و جانش را نجات داده بود.

در کل او قبل از ورود به عرصه سیاست، روزنامه‌نگاری بنام در سطح جهان بود. مقالات او بیشتر رنگ و بوی آزادی‌خواهی داشته و تحت تأثیر روحیه جوان و وضعیت سیاسی قفقاز بود. او رسمیت زبان روسی را در مدارس و ادارات آذربایجان محکوم می‌کرد و معتقد بود ورود روس‌ها به مناطق تورک‌نشین و ازدواج آنها با عناصر بومی، باعث برهم خوردن ترکیب نژادی تورک‌ها می‌شود. او در این زمان دو نمایشنامه به نام‌های «قلارانیقدا ایشیق‌لار» (پرتوهای در تاریکی) و «ناگهانی بلا» (بلا ناگهانی) نوشت. در این نمایشنامه‌ها او کم‌کم سخن از خودمختاری تورک‌ها از روس‌ها را به میان آورد. رهنمود نمایشنامه هوشیاری ملی و تبلیغ نهضت آذربایجان بود. وی با این آثار استقلال آذربایجان را مطرح ساخت. همین موضوع سبب شد تا در سال ۱۹۰۷ تحت تعقیب پلیس تزاری قرار گیرد و به تبریز بیاید. او در تبریز با ستارخان و نیروهای مشروطیت دیدار کرد و با دیدن ظلم‌هایی که در ایران به ملت تورک خویش می‌شود، اقدام به همکاری با مبارزان مشروطه نمود و تا سال ۱۹۱۱ شانه به شانه ستارخان در حرکت مشروطه ایران مبارزه کرد.

محمدامین رسولزاده در سال ۱۹۱۱ به ترکیه رفت و در آنجا با دو روشنفکر تورک‌گرای آذربایجانی بنام‌های علی‌بیگ حسین‌زاده و احمدبیگ آقاییف دیدار کرد. همچنین، او در این سفر با روشنفکران تورک‌گرای چون یوسف‌بیگ آغ‌چورا و ضیا گوک‌آلب ملاقات نمود. رسولزاده در این زمان به «تورک اوجاغی» پیوست و در روزنامه «تورک یوردو» (سرزمین تورک) به نوشتن مقاله پرداخت. او مقاله‌ای با نام «ایران تورک‌لری» (تورکان ایران) در این روزنامه نوشت که بسیار حایز اهمیت است. او همچنین در این زمان کتاب «فلسفه و ملت» از سید جمال‌الدین اسدآبادی را به تورکی ترجمه کرد. چندی بعد به باکو بازگشت و فعالیت‌های انقلابی خود را از سر گرفت. او در اکتبر ۱۹۱۱ با محمد رسول اوغلو، عباس کاظم‌زاده و تقی تقی‌اوغلو حزب مساوات را در باکو تأسیس کرد. مساوات کلمه عربی به معنای برابری است.

به دنبال سقوط تزارها حزب بلشویک که متشکل از ارامنه و روس‌ها بودند سعی در تشکیل دولت کمونیستی داشتند که با مخالفت مردم مسلمان و تشکیل ارتش اسلام این حرکت ناکام ماند.

در روز ۲۸ می ۱۹۱۸ تمامی ایستگاه‌های رادیویی و روزنامه‌های کشورهای جهان، خبر اعلام استقلال آذربایجان را به جهانیان مخابره نمودند. حزب مساوات و در راس آن محمدامین رسولزاده با تأسیس جمهوری خلق آذربایجان یکی از شکوهمندترین صفحات تاریخ کشورداری آذربایجان را رقم زدند



داغدان باغدان



ایران مجلسینده قورولان تورک بؤلونگوسو(فراکسیونو)

ایرانین ایسلامی شورا مجلسینده ایلک اولاراق تورک آدی داشییان بیر بؤلونگونون اولوشدورولماسی اولدوقجا اؤنملی دیر.

«تورک بؤلگه‌لری بؤلونگوسو»نو اولوشدوران میللت وکیل‌لری نین، میللتین گنرچک وکیل‌لری اولمادیق لارینا قارشین(رغمین)، بو بؤلونگونون «تورک» سؤزونو داشیماسی، ایرندا یاشایان تورکلرین اؤزگه‌لشدیریلمه سوره‌جینه بؤیوک بیر ضربه ائتدیردی.

بو بؤلونگونون سؤزجوسو، تورکلرین یاشادیغی بؤلگه‌لرده وار اولان سورون لارین چؤزولمه‌سینی بؤلونگونون قورولما هدفی اولاراق آچیقلامیش دیر. ائله‌جه، آذربایجان بؤلگه‌سی و تورکلرین یاشادیغی باشقا بؤلگه وکیل‌لری نین یانی سیرا، آشوری‌لرین ملت وکیل‌لری ده بو فراکسیونا اویهدیر.



ایران مجلسینده تورک بؤلونگوسو

سؤزجو ساعی، تورکلرین یاشادیغی بؤلگه‌لرده وار اولان سورونلارین چؤزولمه‌سینی بؤلونگونون قورولما هدفی اولاراق اچیقلا دی.



یومورتا ایله ایلگیلی بیلمه‌دیک‌لریمیز

قاپاقجا بونو بیلمه‌لیک کی، قیدالانما ادبیاتیندا بحث ائدیلن «کیفیت‌لی پروتئین» المنت‌لرین دن بیرى ده یومورتا دیر. کلسترول ترکیبی نین ایسه اورک خسته‌لیک‌لرینه سبب اولماماسی علمی تجروبه‌لرله ثبوت اولونوب. یومورتا آنتی‌اکسیدان ایله زنگین و یوکسک تضییقه قارشى تأثیرلی اولان قیدادیر. ثبوت ائدیلب کی، هر گون بیر عدد یومورتا یتمک فلج ریسکینی یوزده ۱۲ آزالدیر. یومورتا، دوزگون اصول‌لارلا بیشریلمه‌دی یی اوچون قیدا دئری آشای دوشور.

یومورتا عمومی اولاراق ۱۰ دقیقه اوجاقدا قالمالی و قایناماغا باشلا دیق دان سونرا اوجاغین ائتی سؤندورولمه‌لی دیر. بله‌جه، تام بیشمیش یومورتا اده ائدیلبیر. بو، قیدا دیری باخیمیندان ان یوکسک یومورتا دیر.

هر گون ان آز ۱ عدد یومورتا یئیین و جمعی ۱۰ دقیقه بیشریرین. ۱۰ دقیقه ده یومورتانین ایچ حیصه‌سی نین یاری بیشمیش اولدوغونو گؤرورسونوزسه، نؤوبتی دفعه ان چوخ ۱-۱.۵ دقیقه آرتیق بیشریرین.

صبح یکشنبه ۲ آبان خبر ناگوار فوت یکی از دانشجویان در خوابگاه بنت تمامی دانشگاه را در شوک فرو برد.

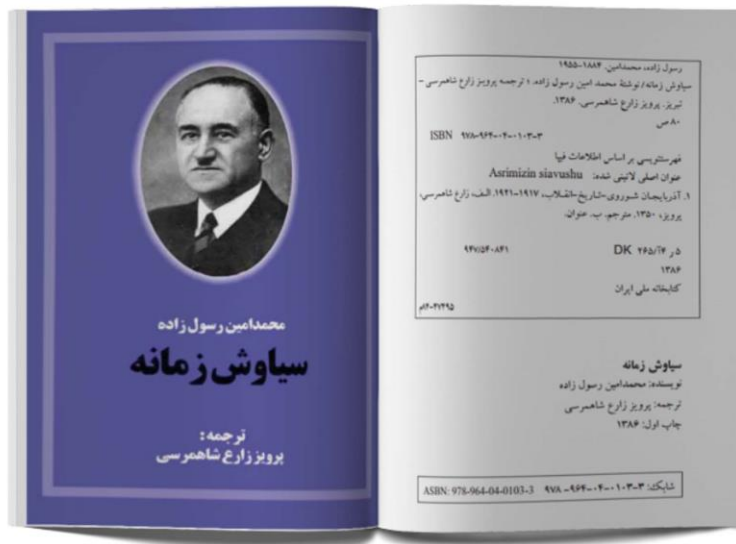
بعد از یک روز حرف و حدیث و گمانه‌زنی، نهایتاً دانشگاه طی یک اطلاعیه‌ی کوتاه علت فوت «پریسا ارشادفر» دانشجوی سال سوم رشته‌ی برق مخابرات را مسمومیت دارویی اعلام کرد. درحالیکه حرف‌هایی مبنی بر خودکشی وی در جریان بود، خبرگذاری‌های رسمی با تیتیر «مسمومیت یا خودکشی» ابهامات در فوت این دانشجوی مراغه‌ای را به اوج خود رساندند. دانشگاه اورمیه به عنوان مقام مسئول دانشجویان در محیط دانشگاه بالاخص خوابگاه‌های داخل دانشگاه نهنها انتظار به‌حق دانشجویان و اذهان عمومی در بررسی و اعلام علت دقیق پزشکی مرگ وی را به جای نیاورد؛ بلکه با عدم برگزاری مجلس تحجیم و یادبود برای وی در دانشگاه نهایت بی‌احترامی به دانشجوی فوت شده را از خود نشان داد.

عدم چاپ یک اعلامیه و بنر تسلیت برای پریسا ارشادفر در روزهایی که هزینه‌های غیرضروری تبلیغات و مراسمات تشکل‌های بلقربان‌گوی مسئولین به میلیون‌ها تومان در هفته می‌رسد، اوج بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی مقامات دانشگاه نسبت به شأن و شخصیت دانشجو را بیش از پیش نمایان کرد.



کیتاب تانیتما

رضا صبوری



از نامهربانی‌های نامادری خود سودابه به توران و سلطان توران افراسیاب و پذیرش گرم افراسیاب از سیاوش را بیان میدارد؛ حال آنکه سیاوش زمانه نیز از ظلم‌های نامادری خود به توران پناه می‌برد در اصل در این بخش از داستان سیاوش زمانه زاینده می‌شود؛ جمهوری آذربایجان استقلال می‌یابد و دولت ترکیه به گرمی از این استقلال استقبال می‌کند. آذربایجان اکنون با داشتن پهلوانانی همچون نفت و آهن و طبیعت و زیبایی‌هایی آماده‌ی تشکیل سیاوش‌گرد توران است.

فصل پنجم از کتاب ویژگی‌های طبیعی و زیبایی و ثروت‌های معدنی آذربایجان و دستاوردهای این جمهوری در زمان استقلال را بیان می‌دارد. فصل ششم که برای مخاطبان غمناک‌ترین بخش کتاب است از سیاوش تاریخ، حمله گرسیوزها و قتل سیاوش بی‌گناه را نقل می‌کند. سیاوش زمانه نیز پس از گذراندن دوران طلایی اما کوتاه مورد مکر و حیل‌های گرسیوزهای زمان بلشویک‌ها و روسیه قرار می‌گیرد. آذربایجان همانند سیاوش به یکباره خود را در حصر می‌بیند و هر اندازه فرنگیس‌ها بی‌گناهی سیاوش را اذعان می‌کنند، کاری از کار ساخته نمی‌شود و سیاوش زمانه تسلیم می‌شود.

در آخرین فصل از کتاب نویسنده با پیش‌بینی به حق و با صراحت سخن از امروز به میان می‌آورد. او می‌داند که تفکر آزادی اگر یکبار زاینده شود نمی‌میرد و اگر بمیرد، فرزند یتیمش با عبور از تمام سختی‌ها دوباره بیرق آزادی را بر می‌افرازد. او می‌داند آذربایجانیان همانند عبور از حصر «آرگنه‌قون» این حصر را نیز در هم خواهند شکست. همانطور که پیش‌بند کاوه بر چوب درفش آزادی پشت ضحاک را بر خاک مالید، روزی کاوه‌ای خواهد آمد. اگر چه سیاوش زمانه مرده بود اما تفکری که به وجود آورده بود از آذهان مردم، و برچمی که به اهتزاز در آورده بود از روبه‌روی چشمان مردم پاک نمی‌شد.

این کتاب با نام اصلی «*Əsrimizin Səyavuşu*» دومین شماره از نشریات ملی آذربایجان به زبان تورکی آذربایجانی است که در سال ۱۳۸۶ در ایران ترجمه و چاپ گردیده است.

محمدامین رسول‌زاده این کتاب را در بخشی از حساس‌ترین و سخت‌ترین روزهای عمر خود در زمان چیرگی بلشویک‌ها به آذربایجان و تحت تعقیب بودن وی و بنا به گفته خودش با ذوقی تصادفی و نه با هدفی معین در عرض هشت روز نوشته است.

در این کتاب نویسنده دوران استقلال جمهوری آذربایجان به سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۸ م را با لحنی نمادین و نوستالوژیک به داستانی معروف از شاهنامه (داستان سیاوش) تشبیه کرده و هر قسمت از داستان را به صورت یک فصل در قالب یک رساله ۸۰ صفحه‌ای درآورده است.

فصل اول و دوم گریزی می‌زند بر سیاوش، تاریخ فرزند مشترک ایران و توران؛ زایش سیاوش و طرز تفکر او، شهر سیاوش‌گرد، و شوربختی سیاوش از ایضاحات بیشتر این قسمت است. بخش جالب این فصل تشبیه قتل سیاوش توسط حیل‌های گرسیوز به حیل‌گری‌های شوروی سابق در فروپاشی استقلال جمهوری آذربایجان می‌باشد.

فصل سوم بیانگر طالب صلح بودن سیاوش تاریخ و درخواست او از شاهان ایران و توران برای سازش و دوری جستن از نزاع و خونریزی است. تشبیه نویسنده از این قسمت گذار از مرحله خواص آریستوکراسی به مرحله دموکراسی و تفکر و قانون سیاوش زمانه در سده بیستم است؛ یعنی به زبانی ساده‌تر حاکمیت از امپراتوران، سلاطین، کاعنان، ساحران و خواب‌سنجان به مردم، اندیشمندان و قانون‌گذاران تغییر می‌یابد.

فصل چهارم با عنوان «آذربایجان در توران» پناه بردن سیاوش تاریخ



مرضیه احمدی اسکونی

فرزاد جمالی

مرضیه احمدی اسکونی، ۱۳۲۴-۱۳۵۳ (۱۹۴۵-۱۹۷۴) آذربایجانلی شاعیر، اینقیلاچی مبارز معلم و یازیچی قادین و خالق قهرمانی دیر. تیریزین یاخینلیغیندا یئرلهشن آذربایجانین کیچیک شهرلریندن اولان اوسکوده اورتا حاللی اکینچی بیر عایله نین اوشاغی اولراق دونیایا گلدی. مرضیه اسکونی اوشاقلیق چاغیندا آناسی نین یانیندا تارلادا ایشله مەیه باشلادی و ائله لاپ بو کیچیک باشلاریندا یوخسول کندلی لرین آجی دولو یاشاملاری ایله تانیش اولدو. مرضیه ایلکین مکتبی نی قورتاردیقدا سونرا دبیرستان تحصیلنه داوام ائتدی. تحصیلی نین بو مرحله سینده کیتاب اوخوماغا مارق بسله ییب گئتدی کجه اوخوماغا یۆنه لیک درین بیر سئوگی بسله دی. بو ایللر مرضیه نین ایجتیماعی سورون لار حاققیندا داها عالیم اولان اینسان لارلا تانیشما و سیاسی مسئله لره تسلط تاپما ایل لری دیر.

مرضیه اسکونی دبیرستانین ایلک دؤوره سینی قورتارینجا تیریزین «دانشسرای مقدماتی» سینه گirdی و بورایا گیرمکله ده سول و مارکسیسم ادبیاتی ایله تانیش اولدو. «مقدماتی دانشسرا» دا ایکی ایلیک بیر تحصیلدن سونرا معلم اولراق ایشه آلتینب اوسکونون ایلک مکتب لرینده معلم لیه گؤنده ریلدی. مرضیه اوچ ایلیک معلم لیک یاشامیندا، اوشاق لار و عایله لری ایله قوردوغو یاخین علاقه لر دسته بی ایله اونلارین چیله (دره) لری و آغیر یاشام شرط لری ایله داها دا یاخیندان، داها دا کؤکلو بوجیمده تانیش اولما قورصتینی الده ائتمیشدیر. اوچ ایل معلم لیکدن سونرا دانشسرا دیپلومونو الماغی باشاران مرضیه تیریز بیلیم یوردوندا (دانشگاهینا) گirdی و اؤیرنچی ایکن عثینی زاماندا معلم لیک و اوشاق لار درس وئرمه یه ده داوام ائتدی. آما اؤز دلینی و کیملیگینی منیمسه ییب اونا دَیر وئرن مرضیه، اوخولا (مدرسه یه) تزه گلمیش اوشاق لارا، اونلارین آنا دلی، آذربایجان تورکجه سینده درس وئیرمیش. مرضیه نین بو غرور دویدوروجو ایشی، اوخولون دیکتاتور حاکمیتنه قوللوق ائدن مودورونو یئتیره نجه سیتیرلندیریب (عصبانی ائله ییب)، اونون مرضیه نی اوخلدان آتماسینا نَدن اولدو. ۱۳۴۵- جی ایلده آغیر مالی سیخینتی لاری اوزوندن تهراتین «دانشسرای عالی سپاه دانش» ینه گیرمه یه مجبور اولدو. بوندان سونرا تئز- تئز ورامینین تورک و فارس کندلرینده گزمه یه، کند مدرسه لرینه باش وورماغا و کندلی اوشاق لار اوچون کیتاب انولری یاراتماغا باشلادی.

مرضیه اسکونی اونیورسیتته ده ایکن فعال شکیده سیاسی- صنفی فعالیت لر و اؤیرنچی اعتصاب لاری نین چوخونا قاتیلیردی. ۱۳۴۹- جو ایلین ایسغند آیینداکی اؤیرنچی اعتصاب لارینی یاراتماقدا ایسه اؤزو، بؤیوک بیر رول اوینادی. و بو اوزدن ساواک- شاه رژیمی نین سیاسی پولیسی طرفیندن تانییب گؤز آلتینا آلتیندی.

خالق ساواشچی لاری نین باشچی سی اولان مرضیه، بیر ایل سونرا ۱۳۵۳- جو ایلین اردیبهشت آیی نین ۶- جی گونونده، پهلو ی رژیم گوج لری ایله گirdی سیلاحلی بیر چاتیشمادا، اورک سیزلادیجی بیر شکیده اولدورولدو. مرضیه کیمی ساواشچی و قورخماز قادین نین بیر قورشون (کلوله) ایله اولمه یه جه یینی بیلن رژیم گوج لری، اونون اولوسونه اوزاقدان قورشونلار یاغیردی. سونرا، جان سیز مرضیه نی ایپ ایله باغلا ییب، یئر اوزونده سوروتله دیرلر...

مزاری ایسه اونون یاخین دوست لاری بهروز دهقانی و علیرضا نابدلین مزار لاریلا تهرانین بهشت زهرا قبریستانلیغی نین ۳۳- جو قطعه سینده دیر. مرضیه اسکونی بازارلیق و شاعیرلیق استعدادی و ارامیش. یازدیغی ادبی یازی لاری قیسا ناغیل و شعرلره خالقین آغیر یاشامینی دله گتیردی. اونون داغا آدلی ناغیلی ایلک چاپ اولان و ان چوخ بیهنیلن رومان لاردان بیری ایدی. آلتدا بیر تیکه بو روماندا ن گلیب:

نه دورغونلوق هوه سی

منی یولدا ن قوبمادی

ایندی قاریشمیشام من خیرداجا آرخ لار اوچون

قورتولماز داغالارا! یئنی حیات دوغولارا!

وارلیغیمیز چالیشماق نه یولون اوزاقلیغی

یوخلوقوموز دا پانماق! نه قارانلیق چوخورلار

دالغا- دالغا؛ موج- موج بیلیردیم دورغون سولار

خیرداجا اینجه آرخ ایدیم اوز ایچینده بوغولار

مئشه لردن، داغلاردان بیلیردیم دریا لارا

دره لردن آخیردیم. دالغالار قوجاغیندا



آذربایجان کیملیک و اؤزگورلوک ساحه‌سی نین آدلیم شاعیری، بختیار واهابزاده، «آنا دیلی» آدلی بیر شعیرده، آذربایجان اوغروندا جاننی وئرن مرضیه احمدی اسکونی یه بئله سؤیله‌یب:

من چال دئدیم، اوجال دئدیم	نییه منیم آنام «مادر» نییه آتام «پدر» اولسون	دییشتند یاد سؤزونو اؤز سؤزونو اؤز لهجه‌نی
من وور دئدیم، قالدیر دئدیم	بو دولاشیق تجارتده	صیفتینی دییشیرسن
سؤز هوجوم‌دور سؤز حمله دیر	نییه منیم دوغمالاریم	تانیمیرام اوندان سنی
بیرجه کلمه، بیر جمله دیر	اؤزگه‌سی نین تاپداغیندا هدر اولسون	آنلامیرام فیطرتین نه؟ صیفتین نه؟
سن دیلده کی قودرته باخ، جراته باخ	نییه یادین بهمزینه بال دئمه‌لی؟	گؤوشوئنده سن اؤزگه‌نین سؤز لرینی
بیر جمله‌نی بیر کلمه‌یه سیغیشدیران؟	اؤز آشیما یال دئمه‌لی؟	صیفت تاخدین صیفتینه
کلمه‌ده کی باریتا باخ	نییه منیم آنا دلیم، گلمه دیلین قاباغیندا؛	سن توپوردون اؤز بابانین اوجاغینا
یوز ایللرین اله‌ییندن آریدیلیمیش آریتا باخ	تیتیم- تیتیم تیترمه‌لی؟	آنان سنی بو اوجاغا اؤلاد دوغوب
دده‌لریم بو سؤز لرین آلوونو گنیینیب‌دیر	نییه دوغمام یاد اولمالی؟	سنسه گیردین اؤزگه‌سی نین قوجاغینا
اورک‌لری بو سؤز لرین وورغوسویلا دؤیونوب‌دور	اؤز سؤز لریم اؤز دلیمدن قوولمالی؟	هر میللتین ان قیمتلی ثروتی دیر آنا دیلی
قالخان تاخیب قالخ سسینه، وروشوب‌دور وور سسینه	هئج گؤردونمو توراغایی	اؤلادلاری یئر اوزونده سپه‌لن‌سه؛
آخی نییه دییشدیرک	قارغا کیمی قا- قا دئییه؟	پرن- پرن دوشن لرین وحدتی دیر آنا دیلی
بیزیم قورقود آتامیزین یاراتدیغی کلمه‌لری	هئج گؤردونمو سیغیرچینی	بو دونیانین هانسی اوزاق قوجاغیندا سسلترسه
باشقاسی نین کلمه‌سیینه	سئرچه کیمی جوککولدویه؟	او قوجاغی منیم اوچون عزیزلدن آنا دلیم
	سؤز لرینده میللت کیمی	
	اؤز ازلی صیفتی وار	
	هر کلمه‌نین اؤز جؤوه‌ری فیطرتی وار ...	





قابى لاردا يارش "حسن آغا دميرچى يە سوتولموشدور"

شامدانلى گول لریندن بوش قالمیش دييجکلردن باشلار دىبلقهلردن...
جورابى دئشمیش باش بارماق لارين اوشومه سيندن،
باشماقسيز آياق لاردان
آياقسيز گۆودهلردن، گۆوده سيز باش لاردان
باشسيز دىبلقهلردن

شامدانلى گول لردن بوش قالمیش دييجکلردن باشلاناجاق دليک دئشیک دىبلقهلردن...
کوچهلرده آخاچاقدیر...
اینقىلاب بوتون پنجره لرین شوشه لرینه يئنه جکدير قارائقو بولوتلاردا پارتلاييب
نوودانلاردا آخاچاقدیر...

کمچیدن يئترکن
ياز قاباغى بير ايت بوروندا بير گول آخاچاقدیر
آدى قورتولوش
يئنى يئتمه قيزلارين ممه لرینه يئنه جکدير
يئنى يئتمه اوغلان لارين بيغ لارينا
اوتوسوز کۆيتکلرده سئوگى اولماز دئين لر چرنله بير قورتولوش
اوتولو اوتوسوز
بوتون کۆيتکلرين آلتيندا چيرپينان اورکلره يئنه جکدير انولره گيره جکدير،
اوخول لارا گيره جکدير،
درسليکلره گيره جکدير،
اینقىلاب گولوم اینقىلاب
ياز گونشینه
اوشاق لارين خينالى ال لرینده
سئويملى بايراق اولوب
اسيم اسيم
اسيم اسيم اسه جکدير.

هادى قاراجاي

دىبلقه: دۇيوشچولرين باش لارينا قويدوق لارى دميردن تۆكولموش پاپاق.
شامدان: شمع دان.
دييجک: دييجک: ايچينه تورباق تۆكوله رک گول، کول و باشقا بيتكى لر اکلن قاب.

كۆلگه

يارغیلانار دېلین
سورغولانار دېلین
سوسقون - سوسقون باخارسان هاچا دېللی ایلانلارین
گۆزونه.
دوداغیندان سانجی لارسان
کۆنلوندن سانجیلانارسان
کیمسه آدیرماس سنی
کورک - کوره په دۇنر اینسانلار قالابالیقدا
کیم ایلک آددیمینی آتار آیریلیغا بیلینمز.
دیلینی بیلمه یین دیلینی اینجه له بر
شئعیرلرینی آنلامایان شئعیرلرینی
و هله قان وئرن ساغالماس یارالارینی
ایشکنجه چیلر.
اویویار اللرین
سویویار اللرین
دورقون - دورقون آخارسان کور و آج بیر تیجیلار اؤنوند.
گۆزلریندن بوکولرسن
بئینیندن سۆکولرسن
کیمسه نی آدیرماسان
آغزیندا قارانیق قیفیلایارسان
اوره تدییین اسکی یاوان هئجالاری.
و باشاما اولان سئوگین
اؤز قاتی لیغینا ساریلمیش
دمیرلهر بیر قیش آغاجی ایچینده.
قار قورشون یاغار اوستونه بیر آخشام
دونیا آغ کاغیدا دۇنر قارشیندا.
سوسقون، سولقون، داغینیق
دمیرلشمیش بیر قیش آغاجی دېبینده اؤلرسن بیر گنج
ده
گلجه یین مات گۆرسلی کیمی بۇیوک و قورخونج.
و سونوندا
آغلیغینا ایلدییین یازیلی بیر کاغیدی
بیر اؤلۆ کۆلگه سی پوزار پوزاراق!

کیان خیوا

نه بیله یدیک

نه بیله یدیک بو سئوگی نین سونو یوخ،
نه بیله یدیک دونیا بئله دۆنه جک،
نه بیله یدیک سئوگی آدلی بو قوناق
ایکیمیزین آرامیزدا اؤله جک...
اولو سئوگی گۆیدن یئره ائندی می،
نه داپاندى یولوموزون اوستونده؟
بو محبت سویودوقجا، سن دئمه،
جان وئیرمیش قولوموزون اوستونده.
هر گۆر وشه سورونوردو آیقلار...
او چمن لر - بیر باهارلیق سمنی.
دوداق لاری یاندراندا دوداق لار
اوره ییمیز اوشویورموش، دئمه لی.
ایلنجه لر قویمادی کی، گۆز آچاق؛
هر ایسته یی بیز بئله جه بیتیردیک.
پاییز گلدی توی - بایراملا،
بیز آنجاق
یارپاق - یارپاق گونوموزو ایتیردیک.
شیرین اولدو یالان لارین زهری،
حقیقتی گیزله میشیک همیشه.
سئوگی لار اویاق آچدی سحری،
بیز آخشامی گۆزله میشیک همیشه...
یوخو گۆردوک...
گاه قورخولو، گاه داشن،
بوغدو بیزی تردودلر آخاری.
یوخولاردا آل لر گۆردوک بیرلشن،
ها یوزدوقسا هیجران اولدو آخیری...
نه بیله یدیک بو سئوگی نین سونو یوخ،
نه بیله یدیک دونیا بئله دۆنه جک.
نه بیله یدیک سئوگی آدلی بو قوناق
اوزوموزه باخا - باخا اؤله جک...

نصرت کسمنلی



یالیز سنه دئیل
 چوخ شئله حسرت قالدیم
 زیروه لرده منیمسه دیم بیر بایراغا
 اوغومون اوخول چانتاسیندا اؤز دیلیمده یازیلیمیش بیر کیتابا
 اوزرینده "Made in öz vətənim" یازیلیمیش بیر جورابا
 بیله حسرت قالدیم
 و خریطه لر
 حیرت لری پاشدیلار
 منیم ایله
 سیدحیدر بیات

باکی یلا تیریزین آراسیندایام
 منیم قیسمتیم دیر آلتورانلیق
 گنجه بله گوندوزون آراسیندایام،
 قورولور ایچیمده میزان-تره زری،
 او گۆزله، بو گۆزون آراسیندایام.
 یوللار آیرجیندا چوخ تالانمیشام،
 فیکیرلر الینده هاچالانمیشام.
 تپه دن قورخوشام، دوزو دانمیشام،
 ایندی داغلا دوزون آراسیندایام.
 ایلیشیب قالمیشام قم چالاسیندا،
 بیر گۆزل تیلسیمین داش قالاسیندا،
 همیشه قاپی لار آستاناسیندا
 باییرلا دهلیزین آراسیندایام.
 بختیار، سینندن نچه «من» کئچیر
 بیرى دردلی کئچیر، بیرى شن کئچیر،
 مفتیلی چپرلر سینمدن کئچیر.
 باکی یلا تیریزین آراسیندایام.

بختیار واهبزاده

من سنی سئومه دن نئيله بيم آخی؟
 اولوم سئوداسیندان قایتماق اولماز
 گۆزلرینده سنین یاغیش ایزی وار
 سوسوز دیلکلریم سارالیب سولماز
 من سنی سئومه دن نئيله بيم دننه
 گۆنلومون سون مدل به به بی سن سن
 بیلیرم باخاجاق گۆرمه میش گۆزوم
 آخی بو اولکه مین مله بی سن سن
 بیر آنلیق اولماسین بیزیم سئوگیمیز
 عؤمولوک یاراشیر سئوگی آدینا
 بیلیرم دل سنی کۆنلوم دل سنی باز
 وورقونام حسرتیم شیرین دادینا
 سنی یازماغا من آلیشمیشام باخ
 خالقیمدا آلیشیب سنی دویماما
 نه بیلیر اؤز گه لر کۆچوب سن دونن؟
 وارلیغیم چالیشیب سنی دویماما
 ماهانا ایستیرم آغلايام بیراز
 سئوگیمیز بیلمه دیم یوخ اولدو نئجه
 گونده کی ساعاتلار همن اتاق دیر
 یوخوما گلیرسن منیم هر گنجه
 درام کئچمیشیمدیر سونوم کمدی
 گنجه لر آغلايب هم گوله جه یم
 عؤمرومون سونونجو دوراغیندایام
 اویناییب سیزلاییب هم گوله جه یم
 رعنا زارع



Önemli Uyarı: Cansız öznələrin eyləmləri dönüşlü olanmaz. Örnəyin "otaq axşam üçün bəzəndi" cümləsindəki eyləm çatısı öznəsinə görə dönüşlü deyil, edilgendir. Otağın öz özünə bəzənənməyəcəyi üçün, bəzəyən və ya bəzəyənələr başqalarıdır. Ama, "Solmaz bəzəndi" cümləsində solmaz özü özünü bəzəməkdə olduğu üçün bəzəndi eyləmi dönüşlüdür.

Uyarı: doğa olaylarıyla ilgili dönüşlü eyləmlərdə "öz özünə yapma" anlamı deyil "öz özünə olma" anlamı vardır. Örnək: Su duruldu./ Yağış kəsildi./ Qarlar təpələyə doğru çəkildi.

Uyarı: ada gətirilən "lan/lən" əkiylə, eyləmə gətirilən "ış4" və "laş/ləş" əkləri də çox az sayıda dönüşlülük anlamı qatar. Örnəyin, "uşaq səssizləşdi", "insan nə tez yaşlanarmış", "hava birdən birə dəyişdi" vb.

Yeri gəlmişkən bunu da artırmaq, "(i)n4" çatı əki, yapımından yalın eyləmlərin daha çox kökləri "L" səssizlə bitənələrinə artırılaraq onlardan edilən və dönüşlü eyləmlər yaradar. Alındı, bölündü, salındı, silindi, qılındı vb. Eləcə, səsiylə bitən tək hicalı eyləmlərə, səsi ilə başlanan hər hansı bir çatı əki artırıldıqda, eyləmlə ək arasına "Y" hərfi kimi bitişdirici bir səssiz artırılacaqdır. yeyindi, deyindi, yuyundu vb.

Uyarı: Türkcəmizdə bəzəyən eyləmlərin edilən çatlılarıyla dönüşlü çatlıları ayrımlı əklə yapılar. Örnəyin:
- Etkən: sevmək, döymək, geymək, görmək.
- Edilgən: sevilmək, döyülmək, geyilmək, görülmək.
- Dönüşlü: sevinmək, döyünmək, geyinmək, görünmək.
d. İşdəş Eyləm

İşdəş eyləmlər, eyləm kök ya da gövdələrinə "ş, (i)ş4" əkinin gətirilməsiylə oluşturulurlar. Bu əklərin yardımıyla eyləmin bəlihdirdiyi iş, birdən çox öznə tərəfindən ya "qarşılıqlı" olaraq ya da "birlikdə" olaraq yapılma anlamı qazanar. Bir eyləmin işdəş çatlı olabilməsi üçün bu iki öyadən birini kəsinliklə anlamca daşımalıdır. Beləliklə işdəş eyləmlər iki ayrı anlamda qullanırlar:

d.1) Bir işi qarşılıqlı yapma anlamı:

Bir işin qarşılıqlı yapılabilməsi üçün ən az iki öznə gərək-sinməkdədir. Bunu işdəşlik əki sağlamaqdadır. Burada eyləmi yapanlar bir işi yaparkən özlərini amaclayrlar. Örnəyin:

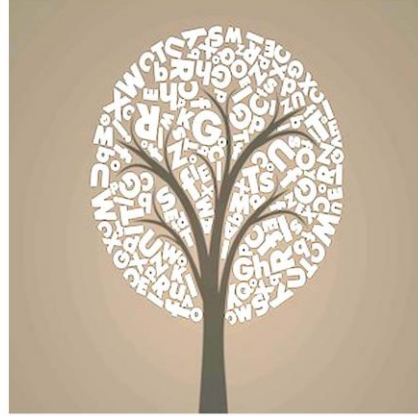
- Aydın Yalçın`ı tanıdı + Yalçın Aydın`ı tanıdı = Aydın ilə Yalçın tanışdılar.

- O mənə baxdı + mən ona baxdım = biz baxışdıq.

Qarşılıqlı yapılan işdəş çatlı eyləm Örnəkləri:

döyüş(mək), yazış(maq), seviş(mək), anlaş(maq), öpüş(mək), qarşılış(maq), dartış(maq), çatış(maq), da-laş(maq), sələmləş(maq), vuruş(maq), çəkış(mək) vb.

d.2) Bir işi birlikdə yapma anlamı: eyləm yenə birdən çox öznə tərəfindən bir yerdə və bir anda yapılmaqdadır. Bu dönə öznələr ortaq bir amac üzərinə birlikdə yönəllər.



. Örnəyin:

- Oğuz güldü + Yaşar güldü + Orxan güldü = Yaşar, Orxan və Oğuz gülüşdülər.

- Sevinc qaçdı + Türkey qaçdı + Sevgi qaçdı = Sevgi, Sevinc və Türkey qaçışdılar.

Birlikdə yapılan işdəş çatlı eyləm Örnəkləri: uçuş(-maq), ağlaş(maq), ötüş(mək), doluş(maq), mələş(mək) vb.

Uyarı: Eyləmlərdən bəzəyən doğrudan "ş" işdəşlik əkini almadığı halda, görəvinə itirərək birdən çox öznə tərəfindən yapılma anlamı qazandıqları üçün işdəş olaraq qəbul edilərlər.

uzunca bir zamandan sonra birdəhə barışdılar.

başqa Örnəklər: savaş(maq), gülüş(mək), cütleş(mək), dərdleş(mək), sözlleş(mək), üzleş(mək), vb.

Uyarı: yapısında "ş" bulunduran bütün eyləmlər işdəş deyildir. Cümlədə bildirilən işi -çoxul əki almış ya da topluluq bildirən bir sözcük daldasında- birən çox öznə yapır kimi görünsə də, "ş" əki aldığına baxmayaraq işdəş qəbul edilməyən eyləmlərimiz də vardır. Burada eyləmin bildirdiyi işi tək şəxsən yapabilir olmasına özən göstərilməlidir.

Örnəyin: Bu sınağı keçəbilmək üçün çox çalışdıq./ quşlarım evə alışmadı.

Uyarı: İşdəş eyləmlərin çoxu nəsnə alanmalar(keçişsizdir), ama nəsnə alabilən bəzəyən işdəş eyləmlər də vardır. Örnəyin, "qazandıqları pulu paylaşdılar".

Sonuc: Bütün eyləmlər çatı baxımından öznəsinə və nəsnəsinə görə iki ayrı özəllik daşımaqdadır. eyləmləri bir anda həm öznə, həm də nəsnə ilə olan ilişkinə görə incələyəbilerik.

- Buz olmasın deyə yollara duz töküldü.

Öznəsinə görə= Edilgən, Nəsnəsinə görə= keçişsiz.



- Yat, yat-ır, yat-ır-t.

Keçişli, Etdirgən, iki dərəcə Etdirgən.

Qır(maq), qır-dır(maq), qır-dır-t(maq).

başla, başla-t, başla-t-dir.

Uyarı: Birsıra eyləm köklərinə oldurqanlıq ya da etdirgənlik əki gətirildiyində, kökdə səs dəyişməsi yaranar:

- Gəl-ir= gətir.(l səsi, t'yə dönüşmüş)

- Get-ir= götür.(e,i səsləri, ö,u'yə dönüşmüş)

1. Öznələrinə Görə Eyləm Çatlıları

Eyləmdə çatı qonusuyla ilgili yuxarıda anladılanların hamısında bizi cümlənin "nəsnəsi" ilgiləndirərkən, artıq cümlədəki "gerçək öznə, gizli öznə, sözdə öznə" kimi öznə çeşidləri ilgiləndirəcək. Dolayısıya, bu başlıq altındakı eyləmlərdə, öznənin yükləm ilə olan ilişki ələ alınacaqdır.

Öznənin, eyləmi özü yapıb yapmaması, başqasının yapıdığı işdən etkilənməsi, özü yaptığı işdən yenə özü etkilənməsi və eyləmi başqalarıyla ortaqlaşması baxımından ayrılan "etkən", "Edilgən", "dönüşlü" və "işdəş" başlıqlarını aşağıda Örnəklərlə açıqlamaya çalışmışıq:

a. Etkən Eyləm

yükləm durumundakı eyləmin bəliyyədiyi işi, oluşu, hərəkəti, durumu və qılışı yapan öznənin özündürsə, demək eyləm etkən çatlıdır. Etkən eyləmlərin öznəsi gerçək öznədir. Gerçək öznə cümlənin içində açıqca var olub olmamasına görə "açıq öznə" və "gizli öznə" deyə iki biçimdə anladılabilir. Dilimizdə tüm eyləmlər kök biçimində ikən etkəndir. Bu Eyləmlər keçişli də olub keçişsiz də. Örnək: etdi, qalacaqmış, yatmışdı, daşıyıram, göyərmişdi.

- Sönməz arabası yudu.(yuyan bəlidir=açıq öznə)

- Əllərindən gələni etdilər.(kimin etdiyi bəlidir-gizli öznə)

b. Edilgən Eyləm

gerçək öznəsi söylənməyən və bilinməyən eyləmlərdir. Eyləmə "(y)ı14, (ı)1n4" əkləri artırılaraq düzələr. Örnəyin, "qapı açıldı" cümləsində kimin açdığı, və "araba yuyuldu" cümləsində yuyan bəlli deyil.

Bu cür eyləmlərin öznəsi sözdə öznə(naib fail) olar. Demək, öncəki Örnəklərdə "qapı" və "araba" sözləri sözdə öznədir. Yükləmdə bildirilən işdən etkilənən varlıq cümlədə öznə kimi qullanılsa da gerçək öznə söylənməmişdir. "qapı" və "araba", açma və yuma eyləmlərini yapan deyil, bu eyləmlərdən etkilənən varlıqlardır.Edilgən eyləmlərlə ilgili birneçə önəmli uyarı:

Birincisi, birsıra durumlarda eyləmi yapanın

(gerçək öznənin), sonuna ya "tərəfindən, nədəniylə, etkisiylə" sözcükləri ya da "ca/cə, dan/dən" əkləri gətirilərək örtülü(məntiqi) öznə ortaya çıxarılır. Bu cür eyləmlər edilgən çatlıdır(edilgənlik əki almalıdır). Örtülü öznə, cümlə içində bəliyyəci təmləci(zərf tamamlığı) və ya ilgəc təmləci(ədat tamamlığı) görəvi yapar. Örnəyin:

- Yağış nədəniylə bağçanın duvarı yıxıldı. (Eyləm edilgən çatlıdır, Yağış nədəniylə= örtülü öznə)

- Oğrular polis tərəfindən yaxalanmadı. (Eyləm edilgən çatlı, örtülü öznə= polis tərəfindən)

- Bu qərarlar millətə verilmədi. (Eyləm edilgən çatlı, örtülü öznə= millətə)

İkincisi, nəsnə alabilən bir eyləm edilgən yapıldığında nəsnə, sözdə öznə(naib fail) görəvi yapar. Sözdə öznə, yükləmdə bildirilən eyləmi yapan deyil, yapılan eyləmdən etkilənəndir. Örnək:

- Anam, qoxumuş ətləri qırağa qoydu. (eyləm etkən çatlıdır, anam= gerçək öznə, qoxumuş ətləri= nəsnə, qırağa qoydu= yükləm)

- Qoxumuş ətlər qırağa qoyuldu. (eyləm edilgən çatlı, qoxumuş ətlər= sözdə öznə, qırağa qoyuldu= yükləm) Üçüncüsü, nəsnə almayan(keçişsiz) bir eyləm edilgən yapıldığında sözdə öznə də olmaz. Örnəyin:

- Evdə bir sürə oturuldu.(outran bəlli deyil, oturan da yox)

- Bugün urmuya gediləcək.(gedən bəlli deyil, gedilən də yox)

- burada qalınacaq.(qalan bəlli deyil, qalınan da yox)

- bu sözə gülünər.(gülən bəlli deyil, gülünən də yox)

c. Dönüşlü Eyləm

Dönüşlü(qayıdış) eyləmlər də, edilgən eyləmlər kimi kök və ya gövdələrinə "(y)ı14, (ı)1n4" əkləri gətirilərək yapılan eyləmlərdir. Bu əklərin dönüşlülük mü edilgənlik mi yaratdığını anlamaq üçün cümləyə baxılmalıdır. Dönüşlü eyləmlərdə, eyləmin kim tərəfindən yapıldığı bilinməkdə(gerçək öznə) və bu yapılan işdən etkilənən yenə öznə olmaqdadır. Demək, işi yapan da işdən etkilənən də öznənin özüdür. Bu nədənlə dönüşlü eyləmlər nəsnə alanmaz və keçişsiz olurlar. Ayrıca, edilgən eyləmlərdə "başqası tərəfindən" yapma anlamı varkən, dönüşlü eyləmlərdə "öz öznə" yapma anlamı vardır. Qonunu Örnəklərlə ələ alaq:

- Solmaz otağı bəzədi.(bəzəmə işini kim yaptı= Solmaz= bu işdən kim etkiləndi=otaq=Etkən çatlı eyləm)

- Otaq bəzəndi.(otaq kim tərəfindən bəzəndi=bilinmir=eyləm "n" çatı əkini almış= Edilgən çatlı eyləm)



eyləmin nəsnəsindən ("nəyi, kimi" sorularının cavabı olaraq "onu" dan), cümlədə söz edilməyə bilər. bu durumda nəsnə, "gizli nəsnə" adlandırılabilir. aşağıdakı Örnəklərdə qonunu incələyək:

- Arazı çox yaxşı anlayıram. "kimi anlayıram?-Araz-ı(nəsnə) ya da "Onu anlayıram"= keçişli eyləm.
- Ağaclar yarpaqlarını tökərək ölürlər. "nəyi ölürlər?"! ya da "onu ölürlər"!= nəsnəsi yoxdur= keçişsiz.
- Yol qırağında yarım saat gözlədim. "nəyi gözlədim?"-Qardaşımı(gizli nəsnə) ya da "onu gözlədim"= keçişlidir.

Keçişli eyləmlərə Örnək sözcüklər: ONU/ sil(mək), yu(maq), buraxıb get(mək), sev(mək), qarşıla(maq), söylə(mək) vb.

b. Keçişsiz Eyləm

nəsnə alanmayan eyləmlərdir. Cümləyə dışarıdan (eşikdən) hər hansı bir nəsnənin gətirilənmədiyi eyləmlər keçişsizdir. Keçişli eyləmlərin tam tərsinə, eyləm bir nəsnə olmadan gerçəkləşirsə, cümlədə nəsnənin var olması olanaqsızsa bu eyləm nəsnə alabilməyir deməkdir. dolayısıyla, eyləm keçişsizdir. Eyləmdə hərəkət baxımından Oluş və Durum eyləmləri keçişsizdir. Keçişsiz eyləmlərdə, yükləmə "Nəyi?, kimi?" soruları sorulduğunda bir yanıt(cavab) tapılmayacaq. Eləcə, eyləmin başına "Onu" gətirildiyində anlamsız bir deyiş ortaya çıxacaqdır. "yənə uşaqlar sevinəcəklər" cümləsində, sevinmə eyləmi öznələr(uşaqlar) üzərində qaldığından, demək, eyləm nəsnə almadığından dolayı keçişsizdir. Aşağıdakı Örnəklərdə qonunu ayrıntılarına incələyək:

- Məni görüncə boynuma sarıldı. ("Nəyi sarıldı?", "kimi sarıldı?" = nəsnə yox= "Onu sarıldı(!)"= keçişsiz eyləm)
- Səni çox sevirəm. ("Nəyi sevirəm"- səni, "Onu sevirəm"= nəsnəsi var= keçişli eyləm)
- Araba durdu. ("nəyi durdu?", "Onu durdu"= nəsnə yoxdur= keçişsizdir)

Önemli uyarı: Türkcəmizdə birsıra eyləmlər həm keçişli həm keçişsiz olaraq istifadə edilir. Bu eyləmlərin keçişli və ya keçişsiz olduğu, cümlə içində qazandıqları anlamları ilə bəliirlənəcək. Örnəyin:

- Urmu şəhərini gəzdik.(keçişli)
- Urmu şəhərində gəzdik.(keçişsiz)

Keçişsiz eyləmlərə Örnək sözcüklər: ağla(maq), gül(mək), daşın(maq), ax(maq), sus(maq), yuyul(maq), göyər(mək) vb.

c. Oldurqan Eyləm

Keçişsiz bir eyləmin üzərinə ""t, (i)t4, dır4, ır4, ar/ər, dar/dər, ız4(dır4)"" əklərindən birinin gətirilərək eyləmin keçişli yapılmasına "oldurqan" çatlılı eyləm deyilir. Oldurqan eyləmin bəliirlənişində, öncəliklə eyləmin kökünə baxılır; eyləm kökü keçişsiz isə və bu kök yuxarıdakı oldurqan düzəldici əklər ilə keçişli yapılmışsa, bu eyləmin nəsnəsinə görə oldurqan bir eyləm olduğu anlaşılır. Oldurqan eyləmlərdə eyləmi gerçəkləşdirən öznənin

özüdür. Oldurqan eyləmlərə Örnək cümlələr:

- Qonaqları üçün bir qazanca dolma bişirdi. (bişirmək= keçişsiz, bişirmək=oldurqan)
- oyunçularını iki gün boyunca dinləndirdi. (dinlənmək= keçişsiz, dinləndirmək= oldurqan)
- Olurdurqan eyləmlərə Örnək sözcüklər: ONU/ bənzətmək(bənzə-t-mək), çürüt(çürü-t), azalt(azal-t), axıt(ax-ıt), qorxut(qorx-ut), hürküt(hürk-üt), çıxar(çix-ar), qopar(qop-ar), qaçır(qaç-ır), düşür(düş-ür), güldür(gül-dür), sevin-dir(sevin-dir), barışdır(barış-dır), qondar(qon-dar), döndər(dön-dər), qalxız(qalx-ız), qorxuz(qorx-uz), çimizdir(çim-izdir)...vb.

d. Etdirgən Eyləm

Keçişli bir eyləmin kök və ya gövdəsi üzərinə "t, (i)t4, dır4, ır4, ız4(dır4)" əklərindən birinin gətirilərək eyləm yenidən keçişli yapılırsa, o eyləm "etdirgən" çatlılı bir eyləmdir. Bu durumda eyləmin keçişlilik dərəcəsi artırılmış olar və bir başqasına yaddırma, etdirmə anlamı qatar. Etdirgən eyləmin bilindirilməsində öncəliklə eyləmin kökünə baxılır; eyləmin kökü keçişli isə və bu kökün etdirgənlik yapan əklərin yardımıyla keçişlilik dərəcəsi artırılmışsa bu eyləmin nəsnəsinə görə etdirgən bir eyləm olduğu anlaşılır. Ayrıca, etdirgən eyləmdə öznə işi yapmaz. Öznə işi ya ikinci birinə yaddırır ya da ikinci birisini aracı qoyaraq üçüncü kimsəyə yaddırır. Burada önemli bir qonunu vurğulamalıyıq: etdirgən ilə oldurqan eyləmlərinin ikisinin də "t, (i)t4, dır4, ır4, ız4(dır4)" əkləriylə düzəldiyinə baxmayaraq aralarında önemli bir ayırım var; bu əklər etdirgən eyləmdə keçişli bir kökə, oldurqan eyləmdə isə keçişsiz bir kökə artırılır. Etdirgən eyləmlərdə işi yapmaya bir aracı varkən, oldurqan eyləmlərdə belə bir aracı yoxdur və öznə dolaysız(müstəqim) olaraq eyləmi özü gerçəkləşdirir. Etdirgən eyləmlərə Örnək cümlələr:

- Savalanı təbrizdə böyük dayısı oxutdurmuşdu.(oxu-t-dur-)
- Dəniz arabasını yudurtdu.(yu-dur-t)

Etdirgən eyləmlərə Örnək sözcüklər: yazdır, anlat, başlatdır, apardır, çıxartdır, içir, döydür, əmidir, dadızdır vb.

Önemli Uyarı: Oldurqan eyləmlər, etdirgən eyləm durumuna gətirilə bilər. Bu, keçişli bir eyləmin yenidən keçişli olması nədəniylə birinci dərəcədən etdirgənlik oluşdurur. Eləcə, keçişli bir eyləmə birdən çox etdirgənlik əki gətirildiyində, keçişlilik dərəcəsi artmış, ikinci dərəcədən etdirgənlik və ya cüt keçişli etdirgənlik oluşdurmuş olar.

Keçişsiz, Oldurqan, Etdirgən.

- Öl(mək), öl-dür(mək), öl-dür-t(mək).



Azərbaycan Türkcəsinin Dilbilgisi BÖLÜM .3 Yasir Rəncbəri

EYLƏM(Feil)

Eyləmlər dilin başlıca sözcükləridir. Türk dili eyləm bölümünə görə dünyanın ən güclü və zəngin dilləri sırasındadır. Eləcə, eyləmlər bölümü Türkcəmizdə olduqca geniş və içərikli olduğundan, bu yazıda eyləmlər yalnızca Hərəkət və Çatı yönündən incələnməmişdir.

hansı şəxsin haçan nə etdiyini, etməkdə olduğunu ya da edəcəyini göstərən sözcüklərə Eyləm(feil) deyilir. demək, Eyləmlər varlıqların yaptıkları vəya etdikləri işləri, hərəkətləri, oluşları, qılışları, durumları zamana və kişiyyə(şəxsə) bağlı olaraq anlatmada kullanırlar. Dilin ən önəmli sözcükləri eyləmlər, məsdərləri(eyləmliləri) ilə adlandırılırlar. Məsdər eyləm kök vəya gövdəsinin “mək/maq, mə/ma, iş4” əklərini almış biçimidir.

eyləmləri və eyləmdən törəmiş sözcükləri anlam və yapı baxımından incələyək:

A. EYLƏMDƏ HƏRƏKƏT

Eyləmin ana anlamı hərəkətdir. dolayısıyla hərəkət, eyləmin ən önəmli anlamını daşıyır. Eyləmlər daşdıqları bu təməl və ana anlamlara görə kəsimplərə ayrılırlar. Hərəkətin anlam baxımından üç yönü vardır:

1. İş və Qılış Eyləmləri

Öznənin(failin) istənc və iradəsiylə, bir nəsnə(məful) üzərində gerçəkləşən, eləcə öznənin nəsnəni etkilədiyini və o nəsnənin də etkiləndiyini göstərən eyləmlərdir. Bu eyləmlər keçişlidir, demək nəsnə alaraq kullanılırlar. doğrusu elə bu baxımdan iş və qılış bildirərlər. Örnək: daşımaq, yazmaq, görmək, bilmək, anlatmaq, silmək vb.

2. Durum Eyləmləri

Öznənin sürəklilik(davamlılıq) göstərən bir durumunu anladan eyləmlərdir. Bu eyləmlərin bitmələri üçün başqa hər hansı bir eyləmin başlaması gərəklidir. Durum eyləmlərində öznə durağan(sabit) haldadır. Eləcə bir çoxu, öznənin iradəsi dışında(xaricində) gerçəkləşər. bunlar genəlliklə keçişsizdir. Bu üzədən çoxunluqla nəsnə almazlar. Örnək: oyanmaq, ölmək, susmaq, oturmaq, yatmaq, uzanmaq, uyumaq vb.

3. Oluş Eyləmləri

Oluş eyləmləri bir keyfiyyət və necəlik dəyişikliyi, demək bir durumdan başqa bir duruma keçildiyini yoxsa keçilməkdə oldığını bildirərlər. gerçəkləşmələrində öznənin doğrudan və araçısız etkisi yoxdur. bunlarda daha çox “özlüyündən olma” söz qonusudur. bu eyləmlər keçişsizdir. Örnək: solmaq, böyümək, göyərək, uzamaq, yaşllaşmaq vb.

B. EYLƏMDƏ ÇATI

Yükləm(müsnəd,xəbər) olan eyləmlərin öznə və nəsnəyə bağlı olaraq qazandığı anlama və girdiyi biçimə çatı deyilir. Başqa deyişlə, eyləmlər, öznə(fail) və nəsnə(məful) alıb almamalarına; bildirilən işin necə yapıldığına; işdən nəsnənin və öznənin necə etkiləndiyinə görə çatılara ayrılırlar. Eyləm çatılarının oluşmasında həm eyləmin anlamı həm də aldığı yapı(muruluş) əki önəmlidir. Ayrıca, çatı yalnızca eyləm cümlələrində aranan bir özəllik olduğundan, ad cümlələrində olabilməz. Örnəyin, “alma, Azərbaycanın birsıra bölgələri üçün vazkeçilməz bir ağacdır” vəya “Urmuda Türk tarixinin neçə min illik izi var(dır)” kimi cümlələr, ad cümləsi olduğundan, çatı özəlliyi bunlarda incələnməz. Çatı qonusuyla ilgili incələmələrdə ilk olaraq cümlədəki yükləm tapılmalı, daha sonra bu yükləmin eyləm olub olmadığı bəliirlənməli, yükləmin eyləm olduğu anlaşıldıqdan sonra bu eyləmin cümlədəki öznə və nəsnə ilə olan ilişkisi incələnməlidir. Beləliklə eyləmdə çatı qonusu, eyləmin cümlədəki nəsnəyə və öznəyə olan ilişkisi baxımından ikiye ayrılmaqdadır:

1. Nəsnəsinə Göre Eyləmlər: a. Keçişli Eyləm, b.

Keçişsiz Eyləm, c. Oldurqan Eyləm, d. Etdirgən Eyləm.

2. Öznəsinə Göre Eyləmlər: a. Etkən Eyləm, b. Edilgən Eyləm, c. Dönüşlü Eyləm, d. İşdəş Eyləm.

1. Nəsnəsinə Göre Eyləmlər

Başlıqdan da anlaşıldığı kimi bu bölümde, eyləmin nəsnə alıb almadığı, alırsa hansı özəllikləri daşdığı göz önünde tutulur. Eyləmin nəsnəyə olan ilişkisi dörd yönə ayrılmaqdadır:

a. Keçişli Eyləm

nəsnə alabilən eyləmlər keçişlidir. Cümlədə nəsnə varsa vəya sonradan artırılabilərsə, cümlənin yükləmi keçişli bir eyləmdir. İş və Qılış eyləmləri keçişlidir. Keçişli çatılı eyləmləri başqa deyişlə tanımlayarsaq, eyləmin bəliirlədiyini hərəkət, olay ya da qılış nəsnə üzərində gerçəkləşirsə, demək bir “nəsnə”ni etkiləyirsə, bu eyləm nəsnə alabilir və keçişlidir. Örnəyin, “Öyrənçi anadilini öyrəndi” cümləsində Öyrənçi(gerçək öznə) yapıldığı “öyrəndi” eyləmi, “Ana dili”nin(nəsnə) üzərində gerçəkləşmişdir. Bu nədənlə eyləm keçişlidir. Bir eyləmin keçişli olub olmadığını anlamaq üçün, eyləmə “Nəyi?, Kimi?,Nə?” sorularını yönəltiyimizdə cavab alabilərsək eyləm keçişlidir, alanmazsaq eyləm keçişli deyildir(keçişsizdir). Bir başqa yöndəm isə: Eyləmin başına “Onu” sözcüyünü gətirəbilərsək eyləm keçişlidir, deyilsə keçişsizdir. Ayrıca, bir eyləmin keçişli olabilməsi üçün nəsnənin cümlədə gətirilməsi şərt deyildir. Demək, keçişli bir



اورمو بىلىم يوردونون اۆرنىچى لىك، اويغارلىق، توپلوملوق، يازىنلىق، بىلىملىك
و ايدمانلىق دىنىز درگىسى

نشرىه دانشجويى، فرهنگى، اجتماعى، ادبى، علمى و ورزشى دىنىز دانشگاه اورميه



امتىيازىيىهسى : احسان سلماسى
سوروملو يۇنه دىجى : ياسر رنجبرى
باش يازار : يايىن قورولو
گرافىك و دوزنلمه : احسان سلماسى ، امين درويش زاده

اىلگى كۆر بولر بىمىز



09378962676



www.urmudenizi.arzublog.com



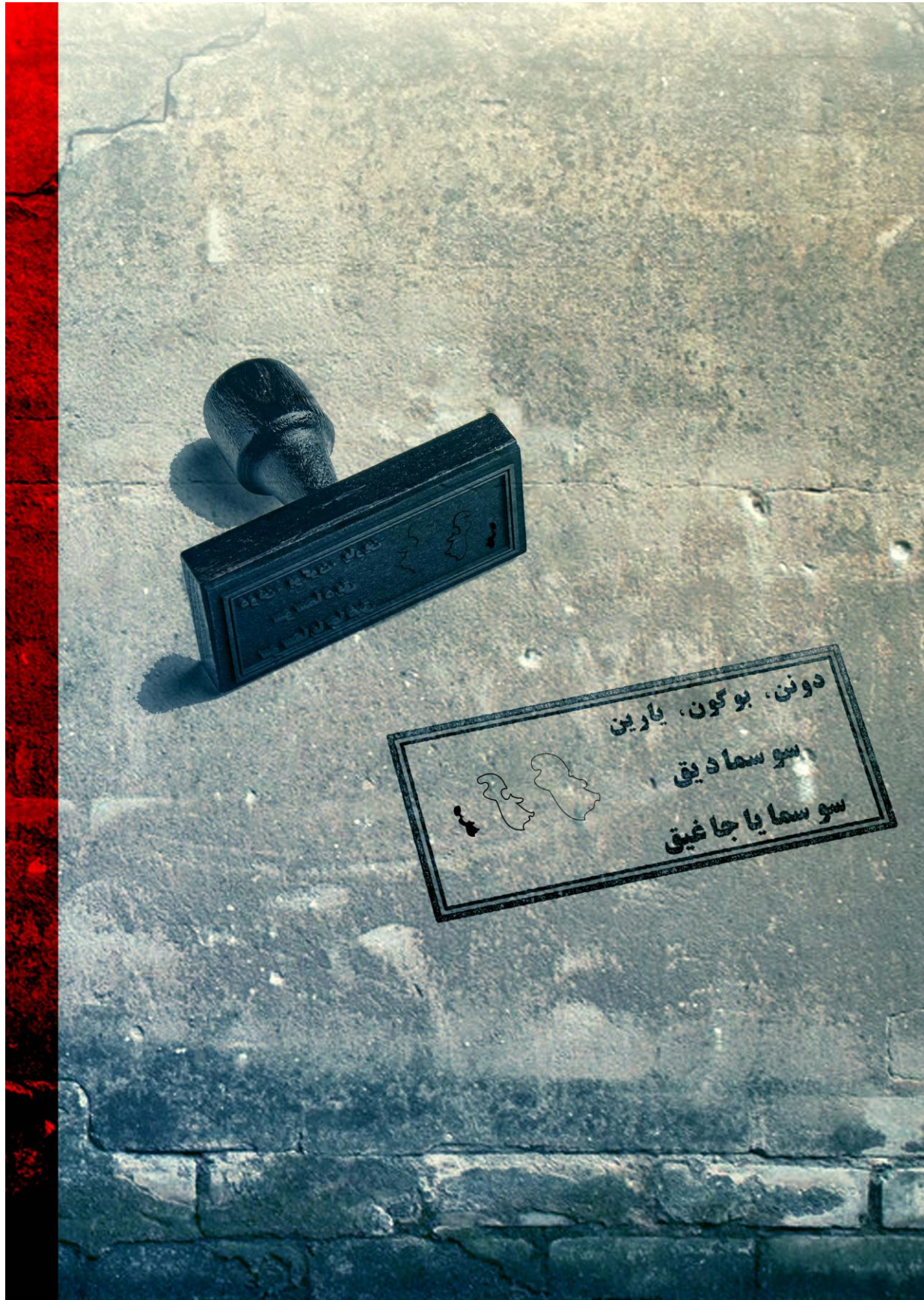
urmudenizi@gmail.com



www.facebook.com/deniz.dergisi



[@denizdergisi](https://t.me/denizdergisi)



دو ن، بوگون، یارین
سو سما دیق
سو سما یا جا غیق

